

ولی اگر بیشتر از این نسبت به مستخدمین سخت گیری شود همچون مستخدم در ایران ترقی نمی کند و این اشکالاتی را هم که آقای باستانی فرمودند اگر تمام مواد این قانون مراجعه فرمایند می بینید که بعضی مواد هست که رفع این اشکالات ایشان را می کند . همیشه تنقید و خورد گیری آسانست ولی نشان دادن راه حل کار خیلی مشکلست و کمسیون بودجه که الان قریب دو سال است کار میکند و هم بطور اغلب دوائر مجلس و ادارات و کمیسیونها تکیه در ادارات تشکیل شده است باین نکته که آقای باستانی فرمودند همیشه دچار بوده اند و فکر هم زیاد کرده اند حتی آقایان امریکاییها انواع و اقسام عقاید را پیدا کرده اند که بلکه بتوانند یک اصلی را برای این رتبه بندی که در قانون استخدام کشوری تعیین شده است قائل شوند و هنوز یک راه حل اساسی پیدا نکرده اند

همانطوریکه فرمودند بالاخره حقوق ماخذ تعیین رتبه واقع شد یعنی وزارت مالیه اینکار را کرد و سایر وزارتخانه ها از این مشمول این اصل قرار دادند و آن اشکالاتی را هم که ایشان در ساعت مذاکره فرمودند راجع باین بود که یک کسی از پشت هم انداز ها در مالیه دارای سیصد تومان حقوق شده و کار یک نصاب را هم انجام نمیدهد و حقوقش را ماخذ رتبه فرار دادند و مدیر کلش کرده اند این ظلم است

ایشان اگر یک قدری دقت می فرمودند در این دو ماده که ما آنها را مرتب نموده ایم و دقت میفرمودند در موارد دیگری هم در قانون پیش بینی کرده ایم و خواننده شده و رفته است و متاسفانه یک مدت زیادی از این آن گذشته و ایشان یادشان رفته تمام این ایراداتیکه ایشان فرمودند همه را مادر نظر گرفته ایم از قبیل شرط خدمت . انضالیت سابقه . دیلم

بالاخره تمام آنچه را که فرمودند ما پیش بینی نموده ایم و علاوه بر این که در این قانون پیش بینی شده است که باید مستخدم دارای چه درجه معلومات باشد با هم گفتیم که هیئت رتبه باید آنها را امتحان کند

این مال مالیه و مال گذشته را هم گفته ایم که هیئت رتبه باید بنشیند یا رعایت این نکات رتبه مستخدمین را بنماید بنده نفهمیدم این ایرادات آقای باستانی با اینکه در اینجا تماماً پیش بینی شده است راجع به چه بود

خوب بود یک قدری دقت میفرمودند و آن تبصره که در ماده دو بوده ملاحظه می کردند و به ماده سه و چهار را هم یک نگاهی می کردند که بخوبی یادشان بیاید که بیفتند .

اساس بنده را چطور قائل شده ایم هیچ ربطی بان قانون ندارد

بعلاوه از یک تا شش درجه رتبه قائل شده ایم و الا هم خوشبختانه طرز تشکیلات ادارات مجلس ما تا یک درجه قانونی است یعنی بهتر از سایر وزارتخانه ها است و آنها را یکروز هیئت رتبه می تواند با نهایت آسانی تصویب کند باین رتبه بندی که مادر اینجا کرده ایم

در صورتیکه سایر وزارتخانه ها نمیتوانند باین آسانی این رتبه ها را تعیین کنند و اگر ایشان در اطراف مواد یک قدری فکر میکردند و همینطور در وضعیت ادارات مجلس غور میفرمودند آنوقت این ایرادات آن رفع میشد

جمعی از نمایندگان مجلس کرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای سید یعقوب قرائت می شود

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم - در جزء دوم ماده پنجاه و یک سطر هر گاه مدت خدمت تا آخر مدت حذف میشود و جزء سوم ماده هم حذف شود

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود ماده پنجاه و دوم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵۲ - شرایط استخدام و مراتب مستخدمین جزء و تعیین حقوق آنها مطابق نظامنامه ای است که هیئت رتبه تصویب مینماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده اینطور متوجه نیستم که دوست برای خود تهیه میکنم - و ناچارم در این ماده یکم ضمیمه اینک نوشته شده است شرایط استخدام مستخدمین جزء اگر مستخدمین جزء عبارت است از پیش خدمتها و اجزاء مباشرت بنده عرض ندارم و اگر غیر از آنها باشد نده عرضی ندارم زیرا آنها هم از اینجا حقیقتاً کسانی هستند که حقوق پیدا کرده اند و باید ترتیبی کرد که در اینجا و در نظامنامه که مینویسیم تضمین حقوق آنها بشود نهایت ترتیب خدمتشان را بیشتر رتبه تعیین کند - و اگر چنانچه این نکته در این ماده قید می شود هست بنده عرضی ندارم و الا مخالفم

مخبر - این قانون شامل مستخدمین مجلس میشود باستثناء بیست و سه سرتیتر و فرانس و ما برای اینکه این سه دسته هم بی قانون نباشند مخصوصاً این ماده را پیش بینی کرده ایم که برای آنها هم هیئت رتبه یک نظامنامه تهیه کند حالا باز هم این را اگر کافی میدانند پیشنهاد میفرمایند البته در کمیسیون مطالعه میشود

رئیس آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده هیچ دلیلی نمی بینم که اعضا جزء که عبارت از بیست و سه نفر باشند مستثنی باشند از این قانون و بموجب نظامنامه مخصوص حقوق با آنها داده شود بنده عقیده ام اینست همانطوریکه پیشنهاد کرده ام باینکه خدمات آنها باید بیشتر از دیگران باشد و در یک موانع خطرناکی هم مبینیم که اینها بیشتر هستند بنابر این خوب است آنها هم مشمول این قانون باشند

مخبر - برای اینکه آقای دامغانی پیشنهادشان را اصلاح کند عرض میکنم که در مواد این قانون تحصیلات دوره متوسطه و بعضی شرایط است که بی خدمت نمیتواند آنها را داشته باشد خوب است اول پیش نهادشان را اصلاح کنند بعد اگر فرمایشی دارند بفرمایند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در ماده ۴۳ این نظامنامه یک چیز پیش بینی شده است که مستخدمین جزء هم شامل می شود در فصل تقاعد و وظیفه در ماده ۴۴ نوشته است مبلغ مذاکره در ماده فوق فقط از مقرریهاست که از یکصد و پنجاه تومان در سال تجاوز کند کسر خواهد شد

تقریباً مستخدمینیکه در ماده از دوازده تومان و نیم بیشتر حقوق داشته باشند این کسورات بعنوان حقوق تقاعد از آنها کسر می شود پس از حقوق مستخدمین جزء تقاعد کسر میشود و در این ماده هیچ راجع بتکلیف آنها که حقوق تقاعد آنها باید داده شود پیش بینی نشده

بنده مستخدم کسیکه کسر تقاعد را می دهد باید در زمان پیری هم با آنها کمک شود از این جهت بنده یک چیزی پیشنهاد کردم که ضمیمه این ماده بشود

پدیده ای است مستخدمین جزء مثل مستخدمین دفتر ریسه باید دارای این شرایط باشند و در هیئت رتبه باید یک نظامنامه برایشان نوشته شود زیرا رتبه آنها شکل دیگر است ولی در حقوق تقاعد و وظیفه با مستخدم دفتر قری فرقی ندارند و بهمان تناسب که آنها کسور تقاعد را بپردازند مستخدمین جزء هم که پیش از دوازده تومان و نیم حقوق دارند کسور تقاعد را بپردازند و ما هم غیر از مطلبه کسی را نداریم که از دوازده تومان و نیم حقوقش کمتر باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این جمله ضمیمه ماده پنجاه و دو بشود

اولی کسانی که مشمول ماده ۴۳ می باشند از حقوق تقاعد و وظیفه بهره مند میگردند (که حقوق مستخدمین جزء هم تأمین شده باشد

رئیس آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده مخالفم بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - پیش نهادت و اصله قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد شاهزاده سلیمان میرزا - این بنده ماده ۴۲ را بطریق ذیل پیشنهاد مینمایم شرایط استخدام و مراتب مستخدمین جزء و تعیین حقوق آنها مطابق نظامنامه ای است که هیئت رتبه تصویب مینماید و مادام که قانون مخصوصی برای حقوق تقاعد و وظائف آنها تصویب نشده است مقررات فصل چهارم در باره آنها رعایت خواهد شد

پیش نهاد آقای آقا میرزا شهاب ضمیمه ذیل را ب ماده ۵۲ پیش نهاد می نمایم و مادام که نظامنامه آنها در هیئت رتبه تصویب نشده از حیث حقوق تقاعد و وظیفه مشمول مواد ۴۹ تا ۵۴ خواهند بود

پیش نهاد آقای دامغانی - پیش نهاد می کنم ماده ۵۲ مقررات این قانون شامل مستخدمین جزء مجلس شورای ملی نیز خواهد بود

پیش نهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد می کنم ماده ۴۴ بنوع ذیل اصلاح شود

ماده ۴۴ - مقررات این قانون شامل مستخدمین جزء مجلس شورای ملی نیز خواهد بود

پیش نهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد می کنم جمله ذیل در ماده ۵۲ اضافه شود

(ولی کسانی که مشمول ماده ۴۳ می باشند از حقوق تقاعد و وظیفه بهره مند می گردند)

پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب بنده پیش نهاد می کنم در ماده ۵۲ به مدار کلمه مستخدمین جزء بین الهالین نوشته شود (تمام دوایر مجلس)

رئیس - ماده ۵۴ قرائت می شود بنده ن ذیل خوانده شد

ماده ۵۴ - سایر شرایط و انتظامات داخلی ادارات مجلس بموجب نظامنامه ای که اداری که بتصویب هیئت رتبه میرسد مستخدمین خواهد کرد دید

رئیس آقای آقا سید یعقوب عرضی ندارم

رئیس مخالفی نیست (گفتند خیر)

رئیس ماده ۵۵ - بشرح ذیل خوانده شد

ماده ۵۵ - اختیار انحلال هر یک از ادارات و دوایر مجلس شورای ملی با خود مجلس شورای ملی است و لو اینکه بطور موافقت بوده باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم از آقای مخبر یک توضیحی بخواهم اینکه میگویند اختیار انحلال ادارات مجلس با خود مجلس است (حالا اگر چه بعد در این خود مجلس است) بنده در این باب بنده پیشنهادی خواهم کرد (ولی خواستم ببینم پس از آنکه منحل شد آنوقت اجزایش چه میشود و مقاعد میشوند یا حقوقشان را میگیرند ؟

در هر صورت بنده هر کدامش که باشد مخالفم

مخبر - اگر مقصود کمیسیون را آقای آقا سید یعقوب مسبق بوده اند مخالفت نمیکردند - در هر صورت ما معتقد شدیم که ادارات مجلس باید بجای خودش باشد و هیچ مقامی صلاحیت ندارد که در انحلال یا توسعه اش دخالت کند باین جهت بود که ما در اینجا اینطور قید کردیم

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - ماده الحاقیه رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم

ماده الحاقیه - رئیس مجلس شورای ملی مأمور اجرای این قانون است و هر یک از نمایندگان مجلس شورای ملی حق دارند که موارد تخلف را کتبتاً اخطار نمایند

رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون - شور اول این لایحه تصویب شد رای میگیریم برای ورود در شور دوم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اقاب قیام نمودند)

رئیس تصویب شده بقدره دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای دامغانی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم پس از قانون استخدام اعضاء مجلس لایحه قرضه فلاحی در دستور باشد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده اصولاً معتقد نیستم لوابی که بمجلس می آید تا نام از دستور مجلس خارج شود کلیه لوابی که بمجلس می آید یا خوب باید یا مضر یا نافع بعقیده هر کس باید تکلیفش معلوم شود یا رد شود یا تصویب شود و لایحه قرضه فلاحی هم بعقیده بنده و یکمده از آقایان یک لایحه اقتصادی مهمی است منتها اگر نوائسی دارد نباید در مجلس نواقض آن بر طرف شود

لهذا بنده پیشنهاد کردم لایحه قرضه فلاحی که یک شورش تمام شده امروز جزء دستور شود و در آن مذاکره شود و پیشنهادها ارجاع شود بکمیسیون تا اینکه اصلاح شود و بپای مجلس

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - موافقم رای میگیریم

رئیس - آقای مغربی (اجازه)

مغربی - این لایحه بنا به پیشنهاد آقای

هدل و یکی دو نفر دیگر او آقایان که خود بنده هم شاید امضاء کرده بودم برای این از دستور خارج شد که برود در کمیسیون بودجه و در آنجا اصلاحاتی که در اطراف این لایحه لازم است بشود

حالا اگر رفته بکمیسیون بودجه بنده که اطلاع ندارم زیرا پر روز که کمیسیون بودجه تشکیل شده بود بنده هم عضو کمیسیون بودم از اول جلسه تا آخر جلسه در آنجا هم چو لایحه نامید

در هر صورت این لایحه بایستی بموجب همان نظری که از مجلس خارج شد بکمیسیون بودجه برود و بنظر بنده آقایان نمایندگان در کمیسیون مراجعه بشود و اصلاحاتی که لازم است بشود بعد بپای مجلس والا حالا که جزع دستور خود را بجهان اشکالاتی که در سابق بود بر میخوریم

رئیس - پیشنهادی که در جلسه گذشته نسبت باین موضوع شد راجع بارجاع بکمیسیون بودجه نبود و فقط راجع بخروج از دستور آن جلسه بود

علی ای حال رای میگیریم آقایانی که موافقت با این پیشنهاد قیام فرمایند

(فد قیامی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه افشار (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ شصت تومان که از دستور تومان شهریه مجدداً سلطنت افشار کسر شده از پروردین

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - عرضی ندارم

رئیس - آقای الموتی اجازه خواسته بودید ؟

الموتی - خیر

رئیس - آقای اجاق (اجازه)

اجاق - عرضی ندارم

رئیس - آقای نجات

نجات - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - راپورتی که خوانده شد راجع بمجدد السلطنه افشار یکسری دیگر بغلطرم هست که بمجلس آمد و برابر مخالفتها پیشنهاد کردند و از دستور خارج شد و حالا مجدداً جزء دستور شده بنده مطابق تعقیبات و اطلاعاتی که پیدا کرده ام ایشان راستحق مساعدتی نمیدانم

ایشان از قراریکه آذربایجانها اطلاع داده اند سه ماه یک قسمت از آذربایجان را تسلیم ترکیه کرده است در اینصورت یک همچو آدمی که اینطور مخالف با آزادی

خواهان آذربایجان بوده است نباید او را در ردیف مساوات قرار دهیم و شهریه برای او درست کنیم

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - در بند مشروطیت در موقعی که بیوک خان پسر رحیم خان چیلانو خوی را محاصره کرده بود همین مجدداً سلطنت افشار بابک عمده نه هزار تنی از ارومیه حرکت کردند و پسر رحیم خان چیلان را از خوی ایشان خارج کردند و در قسمت آذربایجان که فرمودند تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است

ایشان یک نفر از اشخاص علاقه مند باین مملکت هستند و از اشخاصی هستند که پدر و مادر وجه و فامیلشان از سیصد سال باین طرف باین مملکت خدمت کرده اند و این شخص را مجدداً میبازا بجرم اینکه پسر رحیم خان چیلانو را در حوالی خوی کشته چهار صد هزار تومان از او جریمه خواست و ایشان را از مملکت تبعید کردند و در این جنگ اخیر هم که ارومیه در محاصره بود و در موقعی که ارومیه را قتل و غارت می کردند

این شخص دار و ندار خودش در ارومیه گذاشت بطوریکه اگر بدو سه هائی که در وزارت خارجه هست و بکمیسیون که الان در وزارت جنگ برای رسیدگی باین امر تشکیل شده مراجعه شود می بیند که این آدم برای استخلاص اهالی آذربایجان از چنگال اکرا و آسورها با یک عمده آمد بآن صفعات ارومیه را حقیقتاً این آدم از چنگال اشرا و زهاقی بشخید بعد ایشان را از باطوم گرفتند و حبس کردند

حالا بنده نمیخواهم بگویم که کسی ایشان را از باطوم گرفت و بدست کدام دولت اجنبی در حبس رفت و آنان تمام دارائی ایشان در ارومیه ازین رفته و ملک و مالی ندارد و خودش هم در اثر این خسارات عمده مالی که بهشان وارد شده است اساعه مجنون هستند و تصور میکنم کمال استحقاق را برای اخذ این مختصر شهریه دارند و بگر بسته و متوط بماطفه آقایان نمایندگان است

(جمعی میگفتند مذاکرات کافی است - و بعضی می گفتند کافی نیست)

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

بعضی میگفتند کافی است و بعضی دیگر کافی نیست

رئیس - آقایانی که مخالف با کفایت مذاکرات هستند باید اجازه بخواهند و مذاکره کنند و هم بطور شفاهی کافی نیست

مفذلک حالا رای میگیریم رای می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رای میگیریم باورق نسبت باین ماده واحده آقایانی که تصویب میکنند و رفته سفید و الاورقه کبود خواهند داد

(اغذ آراء بعمل آمد)

رئیس - اغذ آراء تمام شد (استخراج آراء بعمل آمده نتیجه به طریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید هلاکت قبول ۳ ورقه کبود علامت رد ۳

رئیس - عدد حضار ۸۴ عدد رای دهندگان ۳۵ تصویب نشد

اسامی موافقین آقایان :

مجددولی خان اسدی . دکتر حسینخان بهرامی . حاج سید عبدالعلی طباطبائی دیبا . حاج سید محمد باقر دست غیب . عطاءالله روحی . آقا میرزا سلیم خان . آقامیرزا محمد حسین صدرائی . حاج آقا اسمعیل عراقی . آقا سید عبدالملی میرزائی . آقا سید ابوالفتح . آقامیرزا باقر خان مغربی .

آقامیرزا آقاخان دیوان بیگی . آقا میرزا عبدالقادر خان معتد . حاج حسن آقا ملک . آقامیرزا صادق خان اکبر . آقامیرزا احمد خان شریعت زاده . آقا سید کاظم بوزی سلطان ابراهیم خان افضی . آقامیرزا رضا خان افشار . آقامیرزا ابراهیم خان سهراب زاده . یعنی خان زنگنه . محمد ولی میرزا قیروز .

آقامیرزا حسنخان دادگر . آقامیرزا زین العابدین رهنما . آقامیرزا محمود خان وحید . آقامیرزا محمد نجات . آقامیرزا سید احمد بهبهانی . آقامیرزا حسنخان اسفندی باری . آقا سید مصطفی بهبهانی . آقا میرزا سید حسن کاشانی . اکبر میرزا . هابیم اسامی مخالفین :

آقایان میرزا عبدالله یاسانی . حسن علی خان فرمند . آقا میرزا جواد خان خونی

رئیس - اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی روز پنجشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم چند فقره شهریه که جزء دستور امروز هم بوده است

و در مرتبه دوم هم خبر کمیسیون مالیه راجع بقانون میرزی (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی . سید محمد تدین . منشی . م . شهاب . منشی . ع . خطیبی

جلسه ۲۱۹
صورت مشروح مجلس پنجمین هیئت و هشتمین آبان ماه هزار و سیصد و چهل چهار مطابق دوم جمادی الاولی هزار و سیصد و چهل چهار
 مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس سه شنبه بیست و ششم آبان ماه را آقای کی استوان قرائت نمودند)
 رئیس - آقای نظامی (اجازه)
 نظامی قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای رضوی (اجازه)
 رضوی بنده در دستور عرض دارم
 رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست
 (گفتند خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 آقای نظامی (اجازه)
 نظامی - بنده حاضر نبودم که از گذشته تکلیف یا تعریف کنم و از اوضاع حاضر تعریف کنم با اصطلاح چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است ولی بواسطه نگرانی که راجع به مالاریا بلوک شهریار دارم ناچار هستم امروز عرض خودم را بعرض مجلس برسانم . اگر در خارج نگاه کنیم می بینیم که هر روز يك اقتضائی داشته

ولی امروز این انتظار را دارم . وقتی را هم بهتر از این وقت نمیدانم . در سنه گذشته اگر نظر آقایان باشد راجع بکار مبری يك صحبت هائی اینجا شد فوراً يك لایحه تقدیم مجلس شد و آقای تیمورتاش سی هزار تومان اعتبار گرفتند
 حالا با تاسیساتی که در حصارک شده اگر ملاحظه بفرمائید تصدیق خواهید فرمود که يك یادگار خیلی بزرگی است در این مملکت برای همین اقدام باقی خواهد ماند ولی متأسفانه سال ها است که شنیده میشود جوانان ایرانی در اطراف پایتخت برض مالاریا جان میدهند کسی تقصیری بحال آنها نمیکند
 بنده امروز از مقام ریاست استدعا میکنم که این پیشنهاد خشکبندین باطلاق های شهریار و رفع مالاریا جزو دستور قرار دهند که بنده از این نگرانی خلاص شوم
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - آقای رئیس کمیسیون عریض گویا بیرون تشریف بردند بنده سئوالی از ایشان داشتم . همانطور که در روزم در مجلس عرض کردم با اصل مسامحه کاری آهم در مجلس مخالفم . يك اشخاصی از پارسل تا بحال طلب کارهای وزارت پست و تلگراف متصل مزاحم آحاد را افراد و کلا در موقع عبور و مرور مجلس شده اند و عریضه های خود را هم کتباً بحسب و به کمیسیون عریض فرستاده اند و تا امروز بنده اطلاع ندارم که ترتیب اتزی به عریض مردم داده شده باشد منجمله از باب مهمتست (اهم از اینکه این اشخاص حق داشته باشند یا نه بنده کار ندارم که این شخص حتماً طلب کار دولت است یا نه)
 یا سایر طلب کارهای راه شاه رود و راه اصفهان و راه های دیگر اینها طلبکار هستند یا نیستند
 در هر صورت يك وزارتخانه مسئول باید گوش بعرف مردم بدهد اینها متصل میروند در وزارت پست و تلگراف و مطالبات خودشان را مطالبه میکنند و از طرف وزیر یا سایر مقامات مسئولیت دار یا آنها جوابی داده نمیشود می آیند عرض - حالانرا بحسب می دهند مجلس را هم بنده تقدیم که اقدامی در این باب بکنند بنده می خواستم پیش نهاد کنم که کمیسیون عریض این قبیل مسائل را با آورد بحسب
 اگر حقیقتاً وزیر پست و تلگراف را در کمیسیون خواسته اند و آنجا جواب صحیح نداده اند کمیسیون وظیفه قانونی خودش را باید عمل کند و راپورت خودش را بحسب بدهد که این قبیل مسائل در مجلس مطرح

شود و تکلیف مردم معلوم شود والا اینکه وضع نمیشود مردم بروند در يك وزارت خانه مطالبات خود را مطالبه کنند و وزیر جواب سرالایشان بدهد .
 اگر حقیقتاً اعتبار ندارد بحسب پیشنهاد بکنند در هر صورت يك نفر وزیر مکلف و مجبور است که جواب افراد مردم را بدهد بخصوص طلب عکار های دولت و چرا تاکنون کمیسیون عریض در این باب اقدامی نکرده ؟
 رئیس - آقای مخبر کمیسیون عریض توضیحی دارند ؟
 دکتر آقایان (مخبر کمیسیون عریض) کمیسیون عریض سابق چه در باب آقایانی که در مجلس متحصنند و چه در باب سایر متطلبینی که مراجعه بحسب می نمایند کمال جدیت را بخرج داده است
 بنده از آقای شیروانی متشکرم که این صحبت را فرمودند و بنده اجازه دادند که در اینجا عرض کنم اغلب وزارتخانه ها و مخصوصاً وزارت مالیه جواب هائی که بحسب عریض میدهند نمیرسد و نه دارد نه منطبق اصولاً وزارتخانه های ما هنوز عقیده من ترتیب قانونی پیدا نکرده اند که جوابی بدهند که موازنه با يك میزان قانونی داشته باشد
 يك مثلی عرض میکنم برای اینکه قضیه کاملاً کشف شود وزارت پست و تلگراف جواب مینویسد که باریاب بهمین جواب منفی داده ایم در صورتیکه قضیه به حکمیت رجوع شده است و بحکمیت دولت محکوم شده و طرفین التزام قانونی سر میدهند
 وقتی کمیسیون از وزارت مالیه سؤال میکند که آیا کتاب فروش های تبریز شکایت میکنند که شما يك مالیاتی بسته اید . این مالیات چه صورتی دارد ؟ بدون اینکه تصور کنند حدود و حقیق يك وزارتخانه از کجا شروع و بکجا تمام میشود جواب مینویسند چون يك اصنافی يك وقتی در تبریز بوده اند و مالیات صنفی میداده اند حال آن اصناف نیستند بنابراین مالیاتی که متعلق بآن اصنافی بود که کتاب فروش نبودند و حالا وجود دارند مالیات آنها را بسته اند به کتاب فروش ها
 بنابراین دیروز جواب خیلی سختی از طرف کمیسیون نوشته شد که اینها از حدود وظایف وزارتخانه خارج است این عملیات را موقوف کنید و اگر چنانچه میل دارید يك مالیاتی بر کتاب فروش وضع شود چون کتاب فروش مالیات نمی دهد آن يك امریست علیه پیش نهاد کنید به مجلس
 بنابر این در روز جواب خیلی سختی از طرف کمیسیون نوشته شد که اینها از حدود وظایف وزارتخانه خارج است این عملیات را موقوف کنید و اگر چنانچه میل دارید يك مالیاتی بر کتاب فروش وضع شود چون کتاب فروش مالیات نمی دهد آن يك امریست علیه پیش نهاد کنید به مجلس
 رئیس - چون بحسب کمیسیون مربوطه ارجاع شده و راپورت آن هنوز نرسیده است باید تامل بفرمائید تا راپورت کمیسیون بیاید
 معاون وزارت مالیه . نظر باینکه

کادامیری تدریجاً خیلی شدت پیدا کرده و در اطراف وناسی هم جا نلفانی وارد میکند باینجهت برای اینکه مؤسسه دفع آفات حیوانی يك قدری توسعه پیدا کند و زودتر بتواند دفع این مرض را بکنند مبلغ بیست هزار تومان پیشنهاد شده است که برای توسعه مؤسسه دفع آفات حیوانی تصویب شود .
 پیشنهاد دیگری معادل پنجاه هشت هزار تومان بحسب تقدیم میشود برای اینکه اضافه شود بر مصرف علق حمل و نقل دولتی . زیرا قیمت علق حلاوه شده و اداره حمل و نقل دولتی با آن مبلغی که در اول سال پیش بینی شده بود تا آخر سال نمیتواند برگذار کند .
 باینجهت تقاضا میشود توجهی باین لایحه بشود و زودتر بگذرد .
 لایحه دیگر راجع بفرقاری شهریه است برای دبیر اعلم سابق میرزا قتیخان معتمدی از اعضاء قدیمی وزارت داخله برای اینکه مطابق قانون استخدام نمی توانسته است مشمول حقوق تقاعدی شود باینجهت این لایحه تقدیم میشود .
 رئیس - این سه لایحه به کمیسیون بودجه قدیم ارجاع میشود . آقایان آقا شیخ جلال و روحی واسعیل خان قشقائی پیشنهاد کرده اند لایحه میزنی در درجه اول دستور باشد . مخالفی نیست نسبت باین پیشنهاد ؟ (اظهار شد خیر)
 رئیس - ماده دوم خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون میزنی که بر حسب پیشنهاد بعضی از آقایان ارجاع بحسب کمیسیون شده بود قرائت میشود .
 (بعضیون ذیل قرائت شد)
 ماده ۲ - در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مؤدی مالیاتی می تواند بقیمت متوسط جنس آن بلوک در شهر یوراه و مهرماه نقد آنسپرنموده قیمتش را بپردازد .
 تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک است و بقیه عایدات تسعیر و جزو مالیات نقدی منظور خواهد شد .
 حائری زاده - جمله (شهر یوراه و مهرماه) تبدیل شد بجمعه (در موقع برداشت محصول) برای اینکه دیدیم در تمام نقاط مختلفه مملکت نمی خود موقع برداشت محصول را در شهریور ماه معین کرد از این جهت (در موقع برداشت محصول) شد .
 رئیس - در ماده دوم بعد از ارجاع بکمیسیون اصلاحاتی شده با اصلاحات به عرض میرسد . این خبر اول بود . (بعضیون ذیل خوانده شد)
 ماده ۲ - در صورتیکه مأمورین مالیه

بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مؤدی مالیاتی می تواند بقیمت متوسط جنس آن بلوک در شهر یوراه و مهرماه نقد آنسپرنموده قیمتش را بپردازد و در صورت سه خورار از جنس بدی خود را به نرخ عادلانه شهریور ماه و مهرماه همان بلوک مسعراً بپردازد .
 رئیس - این ماده بطوری که اخیراً قرائت شد مطرح است . آقای دامغانی .
 دامغانی - این مسئله مکرر در اینجا مذاکره شده و یکمده از آقایان معتقد بودند بنده هم همان عقیده بعضی از رفقا را دارم که اساساً باستی مالیات مسعراً و نقدی بشود زیرا مالیات جنسی يك ضرر هائی هم برای دولت دارد و هم برای مؤدی مالیات . از برای دولت يك مخارج کلی تعمیل میشود از قبیل اینکه انبار داران بسیار درست کنند و گاهی يك اختلافاتی هم در فروش پیدا میشود .
 خود بنده چند سال قبل دیدم امین مالیه دامغان در موقع خودش جنس را ازش میخریدند دوازده تومان و با يك ساختگی هائی با اینکه بزرگتر گذاشت در موقع عملش هفت تومان فروخت .
 يك وسائل نقلی برای مأمورین یعنی بعضی مأمورین فاسد هست که ضررش هم بدست می خورد هم ب مردم و اگر بنا شود مالیات نقدی شود این ضررها مسدود میشود گذشته از این مخارج انبار داری هم برداشته میشود .
 خوبی از اشخاص را بنده دیدم که انبار دار هستند و ماهی شش هفت تومان حقوق منظم دارند و بالاخره در نتیجه چند سال انبار داری دارای يك ثروت کلی شده اند این ثروت را فقط از روی دزدی و از روی اینک تفاوت سنک از برای مردم درست میکنند و انداخته کرده اند اما در مردم وقتی که جنس شد يك تفاوت افت و سنگی با آنها حساب میشود و يك گریه هم از آنها گرفته می شود .
 مخصوصاً پس از اینکه این ماده سوم مینویسد باستی تا پنج فرسخ را بیورند و فرسخ گریه اش بعهده مؤدی مالیاتی است . و سه فرسخ را از مالیه بگیرد . این ماده سوم هم که بلا تکلیف مانده بلا تکلیف مانده این ماده هم بضرر مردم تمام میشود .
 خیال نشود که چون این ماده بلا تکلیف مانده دیگر در هر محلی مالیه جنس خودش را از همان محل خودش خواهد گرفت .
 خیر اگر یازده فرسخ هم باشد میگوید باید بیورنی در مسایله اگر این ماده درست میشد گریه تا دور فرسخ با مؤدی مالیات بقیه اش با مالیه محسوب میشد ولی حالا به عکس نتیجه خواهد داد . اگر یازده فرسخ

راه هم باشد چون همچو چیزی در قانون پیش بینی نشده که تا چه قدر گریه را هشت بعهده مؤدی مالیاتی است و چه قدرش با مالیه است مالیه مکلف میکند مردم را که از یازده فرسخ راه بیورند و در انبار مرکزی تحویل بدهند .
 مالیه هم چون دارد زیرا در هر دره فرسخی نمی تواند انبار داشته باشد و برای جمع آوری صد خورار جنس مأمورینی در پنجاه پارچه ده متفرق کند . بنا بر این عقیده بنده اینست که اگر مالیات تسعیر و نقدی شود همه جا هم بفتح مالکین وهم بفتح رعایا وهم بفتح دولت تمام میشود .
 گذشته از اینها آقایانی که میخواهند طرفداری از قرا بکنند از روی اصول مسلکی آنها باید بیشتر اصرار داشته باشند زیرا مالکین (بخصوص يك قسمتی) این جور ضررها را نخواهند کرد . هر کس يك خرابی اسب یا مادبان دارد بارمالیهای رعیتی میکنند و اگر یازده فرسخ راه هم باشد میگویند ببرند در انبار مالیه تحویل بدهند .
 آنوقت باید مردم بروند دوسه روز در انبار مالیه معطل شوند تفاوت سنک و افت هم از شان بگیرند . فقط يك تحویل زیادی بر مردم میشود اسباب ضرر دولت هم هست و به نفع انبار دارها نخواهد بود .
 بعضی از نمایندگان - صحیح است .
 حائری زاده - در موضوع تسعیر جنس که اساس فرمایش نماینده محترم بود . نقاط مملکت اختلاف دارد بعضی جاها هست که هم نفع دولت وهم نفع مردم در تسعیر جنس است . ولی نقاطی مثل سیستان داریم که بوشان کم هست و اگر خواسته باشند تسعیر میکنند پول ندارند و اسباب زحمت است . تقاضی که جنس زیاد است این گرفتاری را دارند .
 دولت جنس موجودی خودش را در آذربایجان و سیستان در سال گذشته نتوانسته بفروشد که از سایر نقاطیکه ممکن بوده خیره داشته برای طهران حمل کند و اگر خواسته باشیم رعایا را مجبور کنیم که جنس را تسعیر کنند این برای مردم اسباب زحمت است . و اما راجع بدو فرسخ و پنج فرسخ آن هم که مربوط ب ماده سوم است و حالاً مطرح نیست .
 رئیس - آقای میرزا محمد خان . (اجازه)
 آقا میرزا محمد خان وکیل - مخالفتم بنده در این قسمت نیست که آقای دامغانی فرمودند - مخالفتم بنده در این کلامه است که این جا نوشته شده در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند .
 آقا میرزا محمد خان - در این قسمت دو مقصود است اولاً دو قسمت است بنده میدانم مقصودشان از بدی جنس کدام است ؟ اگر عین جنس اصلاً باشد یا اینکه آن رعیت جنس را با خاک و آشتال مخلوط کرده باشد و باین جهت اداره مالیه استنکاف کند .
 اگر قسمت اول مقصود است که عین جنس بد باشد و در طبیعت گندش سرخ یا سیاه باشد این خیلی می انصافی است برای اینکه با طبیعت نمی شود مخالفت کرد اگر بخواهیم همیشه طبیعت موافقت کند این ممکن است خوب فرضاً گندش بد باشد آنوقت باید برود از جای دیگر گندم خوب بقیمت بالاتر بخرد و بیورند و اگر قسمت دوم مقصود است اعتراض ندارم ولی باید این جا تصریح شود . اعتراض بنده در این قسمت است حالاً نماینده کدامش هست بفرمائید تا دوباره عرض کنم
 رئیس - آقای نظامی . موافقت ؟
 نظامی - بلی .
 رئیس - بفرمائید .
 نظامی - عرض کنم تسعیر جنس از برای مالک و رعیت هر دو اسباب زحمت است فقط در قراء کوه پایه که محصول آنها چندان زیاد نیست میتوان جنس آنها را بطور استثناء تسعیر کرد مثلاً اگر در يك ملکي هزار خورار گندم موجود باشد ولی بد باشد مأمورین مالیه هم مالیات بخواهند تکلیف آن مالک یا رعیت چیست ؟
 اگر آقایان ملاحظه و رعایت رعیت را می کنند در بعضی نقاط جنس تمیز نیست آنوقت مالیه رعیت را مجبور می کند و از پول بگیرد .
 ولی وقتی نباشد عین جنس باشد البته هم آسایش رعیت است هم آسایش مالک و دیگر اینکه اگر جنس خریدار نداشته باشد مجبور نیست که دست و پائی بکند و مشتری برای جنس پیدا کند زیرا که در موقع تحویل به انبار يك کتتری می شود و همان انبار بالاخره خریداری میکنند . حالا اگر در انبار يك تعدیاتی نسبت ب مردم بشود این را نمیشود مدرك قرار داد و جنس مالیاتی را تسعیر کرد که باین می بولی مملکت يك وقت اگر دولت خریدار جنس نباشد مالک و رعیت بیچاره دوچار زحمت بشود که برود اسبابش را بفروشد و پول تهیه کند .
 اداره از زاق جنس لازم دارد از عین محصولی که عاید می شود جنس خودش را می برد فقط در بعضی باید تقدی باشد ولی در قسمت قراء کوه پایه مثلاً شیران يك قسمتهائی هست که باید برود و از زور امین جنس خریداری کنند . و يك گریه هم بدهند و به آنجا به آنجا ببرند دولت هم که باید يك گریه بدهد و جنس را از شهر انبار برود

آن بلوک تسعیر نمایند - معنی این جمله این است .
 اولاً دو قسمت است بنده میدانم مقصودشان از بدی جنس کدام است ؟ اگر عین جنس اصلاً باشد یا اینکه آن رعیت جنس را با خاک و آشتال مخلوط کرده باشد و باین جهت اداره مالیه استنکاف کند .
 اگر قسمت اول مقصود است که عین جنس بد باشد و در طبیعت گندش سرخ یا سیاه باشد این خیلی می انصافی است برای اینکه با طبیعت نمی شود مخالفت کرد اگر بخواهیم همیشه طبیعت موافقت کند این ممکن است خوب فرضاً گندش بد باشد آنوقت باید برود از جای دیگر گندم خوب بقیمت بالاتر بخرد و بیورند و اگر قسمت دوم مقصود است اعتراض ندارم ولی باید این جا تصریح شود . اعتراض بنده در این قسمت است حالاً نماینده کدامش هست بفرمائید تا دوباره عرض کنم
 رئیس - آقای نظامی . موافقت ؟
 نظامی - بلی .
 رئیس - بفرمائید .
 نظامی - عرض کنم تسعیر جنس از برای مالک و رعیت هر دو اسباب زحمت است فقط در قراء کوه پایه که محصول آنها چندان زیاد نیست میتوان جنس آنها را بطور استثناء تسعیر کرد مثلاً اگر در يك ملکي هزار خورار گندم موجود باشد ولی بد باشد مأمورین مالیه هم مالیات بخواهند تکلیف آن مالک یا رعیت چیست ؟
 اگر آقایان ملاحظه و رعایت رعیت را می کنند در بعضی نقاط جنس تمیز نیست آنوقت مالیه رعیت را مجبور می کند و از پول بگیرد .
 ولی وقتی نباشد عین جنس باشد البته هم آسایش رعیت است هم آسایش مالک و دیگر اینکه اگر جنس خریدار نداشته باشد مجبور نیست که دست و پائی بکند و مشتری برای جنس پیدا کند زیرا که در موقع تحویل به انبار يك کتتری می شود و همان انبار بالاخره خریداری میکنند . حالا اگر در انبار يك تعدیاتی نسبت ب مردم بشود این را نمیشود مدرك قرار داد و جنس مالیاتی را تسعیر کرد که باین می بولی مملکت يك وقت اگر دولت خریدار جنس نباشد مالک و رعیت بیچاره دوچار زحمت بشود که برود اسبابش را بفروشد و پول تهیه کند .
 اداره از زاق جنس لازم دارد از عین محصولی که عاید می شود جنس خودش را می برد فقط در بعضی باید تقدی باشد ولی در قسمت قراء کوه پایه مثلاً شیران يك قسمتهائی هست که باید برود و از زور امین جنس خریداری کنند . و يك گریه هم بدهند و به آنجا به آنجا ببرند دولت هم که باید يك گریه بدهد و جنس را از شهر انبار برود

به انبار برای آنها بد نیست تعمیر بکنند این بود عقیده بنده .

رئیس - آقای کازرونی .

کازرونی - عرض می کنم ماده دوم طوری تدوین شده که در هر صورت اختیار را بدولت داده و در وقت بخواهد تعمیر کند میگوید جنسش بد است این (بد است) یعنی چه ؟ وقتی که گفت جنسش بد است چه باید بکنند این جا بصاحب جنس یا بزارع میگویند بیانشیر کن معلوم است که یک فرجه هم ندارد با جنس است یا پول جنس - جنس که نخواست باید پول بدهد .

در واقع این ماده میخواهد سلب اختیار از زارع بپساره بکند و اختیار را بطور اکتفا به مالیه داده باشد . این عبارت که اینجا است اینطور است اگر واقعاً این است مقصود در پرده چرا ؟ آشکارا بگوید وزارت مالیه مجاز است و میتواند یا عین جنس را بگیرد یا تعمیر کند . دیگر منت سرزراع بپساره نگذارید لیکن بنده هم مانند آقای شریعتمدار حقیقتاً خوب که مطالعه می کنم می بینم که گویا بهتر این باشد که بیایم مالیات را تصدق کنیم چرا برای اینکه در گذشته بر اینان حاصل شده که هر طوری که میل واراده مأمورین مالیه باشد بالاخره همان کار را می کنند .

پس بهتر این است حتی الامکان مالیات ساده و مستقیم و سهل و آسان باشد ولو اینکه زارع را مالک واقفا متضرر شود اما زراع و بیج و تابش کمتر باشد بهتر است و بالاخره هم شاید به نفع آنها تمام شود و الا ملاحظه کنید در خصوص فرسخ های آوردن جنس چندر گفتگو میشود و چند زراع بدبخت باید نوسری بخورد و بالاخره کارش بجایی خواهد رسید که باید اجناس را روی درش خودش بگذارد و هر جا که باو نشان بدهند بپرد و تعویب بدهد .

یکوقت مال نیست! یکوقت نمیتواند پهلوه اگر این فرسخ و پنج فرسخ شده سکی بدادش میرسد که به بندنظر معاملات و رفتار از چه قرار است .

آینده را هم قیاس بگذشته بکنید گذشته را با آینده قیاس نکنید حتی - الامکان یک کاری بکنید که مردم اگر چنانچه در فشار هم هستند ولی بدانند که فشارشان محدود به یک حد معینی است . رئیس - آقای افسر موافقت؟ افسر - بلی عقیده بنده این بوده است که قانون میزبی هر چه زودتر بگذرد ولو بنظر ما هم یک چیزهایی بیاید بهتر است که بگذارد در موفد عملیات یعنی وقتیکه

بمد افتاد و بدیدم اشکالی پیدا کرد درست کنیم . الان چهار سال است که مردم منتظر قانون میزبی هستند در صورتی که از دوره اول مجلس که مملکت ما مشروطه شده است قانونی تر شده به مردم عده میزبی کرده اند لایحه بنده همین عده دارم اگر یک چیزهایی آقایان بنظرشان میرسد صرف نظر بکنند بهتر است ولی چون این مطالب یک قدری بی جواب ماند باید عرض کنم که طهران را با جا های دیگر باید یک قدری فرق گذاشت همه جا میدان معصوبه ندارد همه جا اداره ارزاق ندارد .

شاید ۴ یا ۵ ولایت اداره ارزاق داشته باشد . فرمودند که هستان جنس ندارد همه کوهستانها هم مثل شیران نیست در فوجان اکثر جاهای کوهستان است و سالی صدهزار خروار هم قلمه میدهد . خیلی جاهای دیگر دشت است غله اش هم کم هست اینجا یک مطالب جزئی است و قابل قیاس نیست . کردستان غالبش کوهستان است گندمش هم زیاد است پس باید تمام اینها را در مد نظر گرفت و نقشه ایران را نگاه کنند و تمام جاهای را در نظر بگیرند آنوقت یک حکم کلی که شامل اکثر جاها باشد بکنند .

در اینکه مسلماً مالیات نقدی یعنی اگر تمام اجناس را نقدی بگیرند اسباب زحمت برای مردم است حرفی نیست برای اینکه همانطوریکه آقایان فرمودند جنس دولت فروش نمیرود یا اینکه طول دارد بفروشد . مردم بطریق ارالی جنسشان راه سال و ۶ سال نمی فروشند .

پس بکلی نباید نقدی باشد اما آنوقت که کمسیون پیش بینی کرده خیلی است که ۳ خروار بتوانند جنس خود را تعمیر کنند چون غالب اشخاص که جنس دارند یعنی زارعین بپساره اگر یک خانوارده هفت هشت نفری باشند که خوراک مالیاتشان بیش از ۳ خروار نیست اگر احتیاج به جنس نداشتند جنس میدهند منتها باید آن قسمتی را که آقایان فرمودند توضیح داده شود که در صورت بدی جنس و استتکاف باید ۳ خروار تعمیر شود یا اینکه در هر صورت ۳ خروار تعمیر شود .

پهلوه آن مسئله که آقای شریعتمدار تذکر دادند راجع بولایات اگر احتمال میدهد که سوء تفاهم خواهد شد آنها را تصریح بکنند که همانطوریکه سابقاً قرار شده چند فرسخی دو فرسخ ۳ فرسخ هر چه کمسیون بدبخت تر تصریح شود که کرایه با مالیات دهندگان است و

مدامه مهمی است که مربوط به ارتباط مردم آنهاست . چون در مملکت ما گمان میکنم در هر صد نفری از مالکین ۷۰ نفر باشند که ۴ خروار و ۴ خروار بیشتر جنس ندارند و مالکین کل در مملکت ما کم است . بازم عرض میکنم بطهران تنها نظر نداشته باشید و گمان میکنم در ۹۰ عتد مملکت مالکین جزء باشند یعنی هر کس بفرخوراک خودش زراعت میکند . یعنی یک جفت گاو دارد ۵ و بقدر زندگانی خودش زراعت میکند در طهران مردم پول بیکار داشته اند زحمت نکشیدند و دهات خریده اند و آباد کرده اند ولی در غالب نقاط مالکین کل کم است . فکر آنها را بکنید که تمام زندگانشان با ۱ یا ۲ خروار است و آنها را بزحمت بیندازند . چون در مومنتیکه مالیات میخواهند بگیرند جنسشان را نمیخرند و مجبوری - شوند جنس خودشان را بقیمت ارزان بفروشند گندم هم جنسی نیست که بتوان آنرا به جا حمل کرد منتهی تاده فرسخ بشود آنرا برد . همین قدر که کرایه اش برابری نکرد باقیمتش دیگر قابل این نیست که از جانی بجایی حمل کنند . مثلاً از شیراز بفرستند بخراسان یا از کرمان بفرستند با آذربایجان بازار گندم خیلی محدود است .

سالهای گرانی را کار نداشته باشید سالیهای مادی ناه باده فرسخ با ۲۰ فرسخی باید بفروشد در بعضی جاها سالها بیکه گندم خوب میشود ممکن است رعایای بپساره لباس هم نداشته باشند و هیچ زندگانی غیر از نان نداشته باشند و گندم و جو شانرا هیچ کس نمیخرد در این صورت قدری فکر بفرمایند که در عین اینکه می خواهید اسباب رفاه مردم بشود اسباب زحمت مردم نشود .

در این صورت این ماده بقیه بنده بهترین مواد است منتهی سوء تفاهمی اگر بنظر شما میرسد اصلاح کنید که در هر صورت باید ۳ تا ۴ خروار با اختیار رعایا به اختیار مالیه بتوانند تعمیر کنند . یعنی اگر جنس را از زمین داشتند تعمیر کنند اگر لازم نداشتند جنس به مالیه بدهند مالیه هم آن گندم را نگاه می - دارد و در موقعی که لازم بود به مصرف میرسانند .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - مذاکرات کافی است . شیروانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم . رئیس - بفرمایند . شیروانی - این ماده عقیده بنده

مدامه مهمی است که مربوط به ارتباط مردم آنهاست . چون در مملکت ما گمان میکنم در هر صد نفری از مالکین ۷۰ نفر باشند که ۴ خروار و ۴ خروار بیشتر جنس ندارند و مالکین کل در مملکت ما کم است . بازم عرض میکنم بطهران تنها نظر نداشته باشید و گمان میکنم در ۹۰ عتد مملکت مالکین جزء باشند یعنی هر کس بفرخوراک خودش زراعت میکند . یعنی یک جفت گاو دارد ۵ و بقدر زندگانی خودش زراعت میکند در طهران مردم پول بیکار داشته اند زحمت نکشیدند و دهات خریده اند و آباد کرده اند ولی در غالب نقاط مالکین کل کم است . فکر آنها را بکنید که تمام زندگانشان با ۱ یا ۲ خروار است و آنها را بزحمت بیندازند . چون در مومنتیکه مالیات میخواهند بگیرند جنسشان را نمیخرند و مجبوری - شوند جنس خودشان را بقیمت ارزان بفروشند گندم هم جنسی نیست که بتوان آنرا به جا حمل کرد منتهی تاده فرسخ بشود آنرا برد . همین قدر که کرایه اش برابری نکرد باقیمتش دیگر قابل این نیست که از جانی بجایی حمل کنند . مثلاً از شیراز بفرستند بخراسان یا از کرمان بفرستند با آذربایجان بازار گندم خیلی محدود است .

سالهای گرانی را کار نداشته باشید سالیهای مادی ناه باده فرسخ با ۲۰ فرسخی باید بفروشد در بعضی جاها سالها بیکه گندم خوب میشود ممکن است رعایای بپساره لباس هم نداشته باشند و هیچ زندگانی غیر از نان نداشته باشند و گندم و جو شانرا هیچ کس نمیخرد در این صورت قدری فکر بفرمایند که در عین اینکه می خواهید اسباب رفاه مردم بشود اسباب زحمت مردم نشود .

در این صورت این ماده بقیه بنده بهترین مواد است منتهی سوء تفاهمی اگر بنظر شما میرسد اصلاح کنید که در هر صورت باید ۳ تا ۴ خروار با اختیار رعایا به اختیار مالیه بتوانند تعمیر کنند . یعنی اگر جنس را از زمین داشتند تعمیر کنند اگر لازم نداشتند جنس به مالیه بدهند مالیه هم آن گندم را نگاه می - دارد و در موقعی که لازم بود به مصرف میرسانند .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - مذاکرات کافی است . شیروانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم . رئیس - بفرمایند . شیروانی - این ماده عقیده بنده

مدامه مهمی است که مربوط به ارتباط مردم آنهاست . چون در مملکت ما گمان میکنم در هر صد نفری از مالکین ۷۰ نفر باشند که ۴ خروار و ۴ خروار بیشتر جنس ندارند و مالکین کل در مملکت ما کم است . بازم عرض میکنم بطهران تنها نظر نداشته باشید و گمان میکنم در ۹۰ عتد مملکت مالکین جزء باشند یعنی هر کس بفرخوراک خودش زراعت میکند . یعنی یک جفت گاو دارد ۵ و بقدر زندگانی خودش زراعت میکند در طهران مردم پول بیکار داشته اند زحمت نکشیدند و دهات خریده اند و آباد کرده اند ولی در غالب نقاط مالکین کل کم است . فکر آنها را بکنید که تمام زندگانشان با ۱ یا ۲ خروار است و آنها را بزحمت بیندازند . چون در مومنتیکه مالیات میخواهند بگیرند جنسشان را نمیخرند و مجبوری - شوند جنس خودشان را بقیمت ارزان بفروشند گندم هم جنسی نیست که بتوان آنرا به جا حمل کرد منتهی تاده فرسخ بشود آنرا برد . همین قدر که کرایه اش برابری نکرد باقیمتش دیگر قابل این نیست که از جانی بجایی حمل کنند . مثلاً از شیراز بفرستند بخراسان یا از کرمان بفرستند با آذربایجان بازار گندم خیلی محدود است .

حاصل بیرون میاید دولت هم از همان جنس مالیاتش را بگیرد معاون وزارت مالیه - بنده خیال می کردم یک مقداری از مذاکرات را که حالا می شود بخاطر آن است که در وقته اخیری که مذاکره شده است همه تکرار شده است و دیگر هیچ احتیاجی نداشته باشیم که تکرار کنیم خاصه اینکه لایحه رفته به کمسیون و باز در آنجا یک مراجعات مختصری علی المعامله شده و کمسیون در نظر دارد دولت هم البته موافقت میکند که به یک سر صورتی که منتهی شود بگذشتن لایحه انجام کار صورت بگیرد . حالا باز در آن صورتی که کمسیون ترتیب داده مذاکراتی شود که قبلاً هم شاید جوابهایی عرض شده است بطور کلی اگر آقایان اجازه بفرمایند عرض کنم که اگر نسبت بقوانین عموماً و این قانون بالخصوص وقتی بخوام یک ساده یا یک فقره مالیات تبصره را تصویب یازد کنیم نظر میکنیم که این قانون در موقع عمل از طرف آن بدترین و ناخوب ترین مأمورینی که ممکن است در مملکت ایران وجود داشته باشد چه صورتی پیدا میکند قانون میشود ولی اگر با نظری که بطور کلی مقتضی است برای مملکت و برای مأمورین دولت متناسب است و برای عامه مردم متناسب است و برای یک اداره هم مثلاً متناسب است قانون را اگر آنطور وضع کنیم آنوقت باید متوجه باشیم باینکه اگر یک مأمور بد عملی پیدا شود باید او را مجازات کرد و اگر یک مودی مالیات هر جنسی هم پیدا شد او را خوش جنسش کرد

اینها یک چیزهایی است که در درجه دوم باید ملاحظه بشود و الا قانون را باید نظر کنی و بدون اینکه نظر باشخاصی داشته باید وضع کرد و باید بطور کلی قانون را برای عموم وضع کرد مسائلی که گفته میشود اغلب بیبینیم که محل تردید یا اشکال برای آقایان نمایندگان معترض واقع میشود و خوب می دانم که ناشی از چه چیز است ناشی از این است که شاید واقفاً فرض شود یا ممکنست مورد هم پیدا کرده باشد که یک ماموری بطریقه صحیح عمل نکرده باشد و این عمل بعد از نظر نماینده محترم دورنی شود این جهت منتهی می شود در موقع وضع قانون ملاحظه بفرمایند بطور کلی در دفعات گذشته که این قانون مطرح بود بنده عرض کردم بدلیل زیادی وزارت مالیه نتوانست موافقت کند با اضافه ضمناً عرض کردم که

علی المعامله یک امری در جلدوست و بایمان افتاده و همه مان ملتفت هستیم این یکی از دلایل آقایان فرمودند امر ارزاق برای ما کفایت اما این چه مربوط است ببالیه و لکن مطالبی هست که نوعاً جاساست ما از حیث اثر و عمل گاهی با هم کمک میکنند بطور کلی عرض کردم که امروز مقدمات این کار در وزارت مالیه برای تعمیر جنس کاملاً آماده نیست ولی یک لایحه قانونی که نقش ضررش آسایش مردم تسهیل امر برای اجرا تمام اینها رعایت شده باشد در دست وزارت مالیه است و مدتیست مشغولند و اطلاعات جمع می کنند و از همه طرف اطلاعات میخواهند که به یک وجه خیلی صحیحی که متناسب با صحیح جهات باشد قانونش را درست کنند و تقدیم مجلس کنند

این کار خواهد شد و این قانون خواهد گذشت ولی علی المعامله اگر بخوام مطلق تعمیر این قانون را بگذرانم این غیر ممکنست که وزارت مالیه بتواند موافقت بکنند مگر اینکه مجلس رای بدهد . البته اگر مجلس امر بدهد که قانون را این طور میخواهیم اجرا کند و اهم از اینکه نفع دارد یا ضرر دارد دولت باید اجرا کند و اجراء هم میکند ولی این مسئله دیگر نیست و البته امر مجلس مطاع است و ما منظور هم عمل خواهد شد بالاخره پیشنهاداتی برای تعمیر یک مقدار جنس شد که اخیراً در کمسیون مذاکره شد و باین صورت درآمد حالا فرض کنیم که دولت موافقت کند با تعمیر کلیه جنس آن وقت چنانکه در کمسیون هم مذاکره شده تازه وارد شده این در یک مشکلاتی که در نظر آقایان همیشه یک هیولائی می شود نسبت باینکه آیا ما مورچه خواهد کرد ما میگوئیم جنس بد . مقصود دولت از جنس بد اینست که اگر برای مودی مالیات دادن جنس صحیح ممکن باشد و نخواهد بود بخواهد استفاده بکند جنس بد بدهد (مثال عرض میکنم) اگر یک مودی مالیاتی که چهار پنج شش بارچه ملک دارد و محصول از آن املاک بر میدارد همه آقایان میدانند که محصول به نسبت اراضی تفاوت می کند پس ممکنست که روزی با یکدیگر مجاورند بنیم ذرع فاصله محصول یکی خوبست مال یکی بد است اینهم اصلاً تقصیر مالک نیست آن وقت کسی که مالک است برای دادن جنسش بانبار دولت نسبت به نام قسمت های محصول چشم مبارک خودش رامی ووشاند و فقط این قسمت از جنسش که بد است میخواهد به انبار دولت بدهد در این مورد طبیعی است مأمور دولت میگوید شما جنس مرغوبتان را بدهید زیرا این را باید نان بکنیم و بپردازیم . چنانکه الان هم همین طور است و

البته منظور این نیست که اگر کسی یک قطعه ملک دارد و یک جنسی از آن جا بیرون آمد که مرغوب بنظر نیامد باو بگویند این جنس را بگذار و بپرداز از جای دیگر جنس مرغوب بخر و بپرداز بدولت بدهد . مقصود این نیست خاطر آقایان آورده شد پس بنا بر این قانون را باید یک طوری وضع کرد که مورد ندمت بدست مأمورین بدست یک مودی که خوش حساب نباشد از طرفی آقای اسماعیل خان قشقائی فرمودند با قساق گرفته شود . بنده گمان میکنم ذکر اقساط در این مورد هیچ ضرورت ندارد زیرا نظامنامه برای وصول مالیات نوشته شده و طبع شده است و اگر لازم باشد خدمت آقایان ارسال می شود ملاحظه بفرمایند . بعضی از نمایندگان - بسیار خوبست معان و وزارت مالیه - در آن نظامنامه چه نسبت بنقد و چه نسبت به جنس ترتیب معین شده که اسباب رفاه حار را با با خمدار در این قانون فقط بطور مطلق می خواهیم به بینم که کیفیت و ماهیت مطلب چه طور باید باشد و دیگر این که میفرمایند از کسلیه محصول باید جنس گرفته شود مثلاً پنبه هم گرفته شود . قیسی هم گرفته شود . صیفی هم گرفته شود .

پس ممکن است که توسعه پیدا بکند بجای دیگر هم برود و در باغات صورتهای دیگر پیدا کند بدینمی است در گرفتن مالیات نسبت باصول نقد و جنس مطالعات زیاد شده است و این آخرین مرحله است که در نظر گرفته شده که آیا دولت از حیث جنس چه چیزهایی را می تواند بگیرد و از حیث نقد چه چیزها را . چه چیزها است که باید بصورت نقد در بیاید و چه چیزهاست که عین جنس را باید قبول کند و غیر از این اگر بشود عملی خواهد بود و نه صرفه برای مالک دولت خواهد داشت بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - پیشنهادهای واصله قرائت می شود .

(شرح ذیل خواننده شد) پیشنهاد آقای دکتر آقایان - بنده پیش نهاد می کنم که ماده دو حذف شود . د کتر آقایان - آقای معاون وزارت مالیه اینطور اظهار عقیده فرمودند که وقتی قانون را وضع می کنند از نقطه نظر قانونی باید وضع کنند نه از نقطه نظر انطوری که عمل خواهد شد . بقیه بنده این مسئله کاملاً برعکس است . هر قانونی را هیچ وقت نباید از لحاظ فلسفی وضع کرد بلکه کاملاً برعکس است . از نقطه نظر فلسفی وضع کرد . قانون حالت لباس را دارد برای مملکت و باید همیشه متناسب با مملکت باشد . این ماده را بنده فوق العاده بد و

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

مضر میدانم که برای دولت هیچ صرفه نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهانی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت . آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در پنج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت . بنده این خشار را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند . این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تحصیلدار مالیه راه دغی بار کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنسش بد است من تعویب نمیکنم . این طرف و آن طرف یک یولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزارا کلام ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمسیون عرضی تا به بیند ترتیب چه چیز است از کلیاتیکان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که قلع گرفته نشود رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد . د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این منجد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود . تتهی است باید نقدی گرفته شود . اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد . مالیه را فرض کنید یک شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حقی که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بد شد بد . این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم . رئیس - آقای نظامی مضمون کمسیون هسته ؟ آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر . رئیس - آقای مخبر - عقیده کمسیون چیست ؟ مخبر - اصلاحات عقیده کلی راجع بقانون همی می موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه معین کند که دولت از دراپ چه باید بگیرد و از محصول چه باید

بگیرد وجه چیزها باید معاف باشد و سایر مواد را فعلا دولت در نظامنامه بنویسد و بعد از این که نظامنامه را چندی بوقوع عمل گذاشت معایب و نقایصش را دید آنوقت بیآورد مجلس.

این يك از اصولی است و خیلی از آقایان هم طرفدار آن هستند. اما فعلا که بنا است همه مواد را مجلس بنویسد پیش نهاد آقایان را حذف لازم نیست و این توضیح هم ضرورت نداشت. وقتی که رأی گرفته میشود همین قدر رأی ندهند عده حذف می شود.

رئیس - پس کمیسیون موافق نیست. رأی می گیریم باین پیشنهاد. . . .

بعضی از نمایندگان بحذف که رأی گرفته نشود.

رئیس - رأی بحذف نمی گیریم که رأی منفی باشد رأی به پیش نهاد ایشان می گیریم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - رد شد. پیشنهاد دیگر (اینطور خوانده شد)

این بنده پیشنهاد می نماید که بعد از بدی جنس اضافه شود قبل از رسیدن آن بانبارنا نقاط دیگر که از طرفی دولت معین شده است.

محمد علی تهرانی

آقا شیخ محمد علی تهرانی - این جا نوشته شده تقریباً اختیار تامی بدولت داده که بخواهد بگیرد بخواهد جنس بگیرد هر جانی که صلحت است است بکیرد والا جنس بگیرد.

فرض کنیم در لواسان رعیت بدبخت در این کوهستان دوری سه ری گندم را بدوش میگیرد و حیوان و الاغ هم ندارد که دروش بگذارد بدوش میگیرد هر کت می کند دوسه فرسخ کوهها را سیر میکند میرود آنچه در انبار مالیه وقتی که آنجا وارد میشود این مالیه یا تعصباندار مالیه میگوید من این را قبول ندارم بردار برو

این معنی ندارد که ببرد در انبار آنوقت اگر مأمور مالیه دلش خواست قبول کند دلش نخواست قبول نکند باید رفتیکه بود آنجا حتماً قبول کند پس باید قبل از بردن مأمورین مالیه اعلان کنند به بنده مالیه که این جنس ترانم قبول ندارم زیرا بد است و در اینصورت ایستای تعصبات کنی والا اگر بگری کندم یادوری کند راه فرسخ (مضمون ذیل خوانده شد)

هر کت داد و برد آنوقت مأمور مالیه گفت من دلم نمیخواهد این گندم ترا قبول کنم این غلطه باید تیلار در مجلس معین کند که این جنس بد است و قبول نمیکنم باید سیر بکنی والا اگر در محفل برد باید حتماً قبول شود.

معاون وزارت مالیه البته نظر آقای طهرانی احتراز از اختلاف بین ادارات انبار جنس و مودی مالیات است ولی بطور تصور فرموده اند که این ترتیب عمل نیست زیرا مأمورین مالیه قبلاً نمیروند در سه محل و در روی اراضی و خرمن و جنس را معاینه کنند و تشخیص خوب بودی جنس را بدهند اداره مالیه محل در یکجائی است. اراضی و نقاطیکه در آنجا محصول عمل می آید در اطراف است و فواصل مختلف و از آنجا جنس حمل می کنند و می برند با دارم مالیه بنابر این قبل از اینکه مأمور مالیه جنس را ببیند میتواند معین نماید که این جنس خوب است یا بد.

همچو چیزی ممکن نیست ولی بنده بطور کلی عرض میکنم متأسفم که باین کلمه از آن عرض اولم را تکرار میکنم اگر نظر باین داشته باشید که یک انبار دارد دزد آنجا گذاشته باشد و برای این فرستاده شده است که مردم را ازیت کند این پیشنهاد را حل نیست و جلو تقبل را نمیگیرد و گمان میکنم مجال داشته باشد که هفت هشت ده روز دیگر بیک اسم دیگر بیک نوع دیگر يك راه تقبلی پیدا کند ولیکن مقصود این نیست.

انباردار است آنجا نشسته است باو گفته اند جنس را فلان مقدار یا فلان مقدار مواد خارجی و خاک می توانی قبول کنی یا فرضاً جنسی که بپیراه باشد و جنسی را که دانه های مختلف زیاد داخل کرده باشند نباید قبول شود این یک چیزی است که در روز صد ها عمل میشود

انباردار با و دی مالیات صحبت می کند و ترا ضی حاصل میشود مقصود از این ماده این است که انبار دار بداند لافاقل جنس مرغوب باید انبار کند و مالک هم بداند که جنس خوب باید تهیه کنند و بنده بناه بر این بنده این پیشنهاد را نمی توانم قبول کنم و آنرا عملی نمیدانم.

رئیس - آقای مغرب چه عقیده دارد؟

مغرب بنده هم نمیتوانم قبول کنم بنده بنظر مجلس است

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی

آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمایند (مده قلبی قیام نمودند)

رئیس قابل توجه شد.

پیشنهاد دیگر (مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال بنده پیشنهاد میکنم که بعد از کلمه استتکاف نمایند سطر دوم ماده ۲ اضافه شود و همچنین در بلوک کوهپایه که عایدات جنس آنها زیادتر از مصارف محل نیست

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم در تمام ممالک دنیا مالیات نقدی را بر مالیات جنس ترجیح میدهند فقط دو چیز علت شده است که مالیات جنس در مملکت ما بر قرار شود.

یکی مسه ارزاق است یکی هم مسئله که بعضی از آقایان میفرمایند که جنس بازار خریداری در تمام ایران ندارد

یکی مسه ارزاق است یکی هم مسئله که بعضی از آقایان میفرمایند که جنس بازار خریداری در تمام ایران ندارد

پس باین جهت ممکن است بعضی ج اها جنس داشته باشند و خریدار نداشته باشد بدیهی است در این موارد که بنده پیشنهاد کردم یعنی کوهپایه آذوقه فقط باندازه احتیاج معلی دارم و زیاد تر ندارد بنابر این مطابق همان اسل و قاعده کلی که مالیات نقدی را بر مالیات جنسی ترجیح داده اند در این موارد هم باید دولت مالیات خود را نقدی بگیرد مطابق همان قیمتی که معمول محل خودشان است.

مغرب نظریات نمایند که محترم در آخر ماده تأمین شبه است زیرا ما مودی مالیات حق داده ایم تا به خروار از مالیات خودش را حق داشته باشد تعمیر کند چه کسی سه خروار مالیات بدست کسی که هفتاد هشتاد خروار معمول داشته باشد و در نقاط کوهپایه مالکین که بیش از این برداشت کنند خیلی کمتر دارند بنابر این قید چندان ازومی ندارد

آقا شیخ جلال - قانع شدم

رئیس - پیشنهاد دیگر (پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب بترتیب ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده در باب طریق ذیل پیشنهاد میکنم - ماده دوم مأمورین مالیه در هر محل باید همین جنس مالیه حاصل از آن محل را قبول نمایند ولی مودی مالیات حق خواهد داشت تا معادل سه خروار از جنس بدهی خود را بنرخ عادل شهر یور مامور مهرماه همان بلوک مسما بردارد

آقا میرزا شهاب بنده اساساً با مالیات جنس نظر بر رفتار مأمورین مالیه مخالفم این هم نیست که آقای معاون وزارت مالیه فرمودند که مأمورین را برای معین کار بفرستند که دزدی بکنند. تا مأمور را برای این کار بفرستند که دزدی کند ولی آنجا سه رفت طمع است شیطانی است. آه زیاد است فریب می خورد دزدی میکند یا تعصبی میکند والا مسلماً برای ابتکار کسی را نمیفرستند هیچ وقت هم چیزی را کسی بدولت نسبت نمیدهند

پس بنابر این بنده با اصل مالیات جنسی مخالفم ولی چون می بینم بیشتر از آقایان موافقت با مالیات جنسی یا از این راه که می بیند در بعضی نقاط جنس خریدار ندارد یا از نقطه نظر ارزاق شهرها علی حال

بنده هم فعلا با مالیات جنس مخالفت نمی کنم

ولی اینکه فرمودند قانون و انبایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد بنده بکلی بر خلاف این عقیده هستم و میگویم قانون را فقط بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد زیرا دیدیم قانون مالیات نمک در همین مجلس وضع شد چون ملاحظه اجرا را نکرده بودند بعد چهار مشکلات شدند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست و برای مردم اسباب زحمت است و برای دولت عایداتی ندارد ولی مغارج زیاد دارد این بود که در دوره دیگر

یک نفر از نمایندگان - همان دوره آقا میرزا شهاب - با همان دوره مجلس آن قانون را لغو کرد. برای چه برای اینکه قانون را از نقطه نظر اجرا وضع نکرده بودند بلکه از نقطه نظر قانون وضع کرده بودند.

پس بایستی قانون از اعلا اجرا وضع شود. حالا اینجا نوشته شده است هر گاه جنس را بواسطه بدی مأمورین مالیه قبول نکرده، حالا به بینیم این چه عبارت لاسیکی گش داری است که مجلس بدست مأمورین مالیه میدهد البته خود آقای معاون هم تصدیق میفرمایند که همه اینها اشخاص صحیح العمل نیستند

البته سلمان فارسی نیستند شاید طعمه هائی دامنگیرشان بشود آنوقت فلان رعیت جنس واحمل کرده است شش فرسخ هشت فرسخ گرابه داده بگردن است در انبار مأمور مالیه میگوید این جنس تو خوب نیست باید بی گرابه بر گرداند به محل آن وقت چه باید کرد

دولت را ما بقول آقای دکتر آقایان از یک نفر شریک الیک بالاتر که نمیدانم در هر ملک از این جنس که حاصل میشود نصف مال يك شریک است نصف مال يك شریک

دوات هم از رعیت صدی سه یا صدی سه و نیم یا صدی چهار میخواستند از صدی چهار من با سه و نیم مال دولت است و نودوش من و نیم مال رعیت با مالک است حال چه شده است که من باید نودوش من و نیم خودم را جنس بدیبرم آنوقت برای دولت که باید سه و نیم جنس ببرد بروم جنس خوب تهیه بکنم؟ خیر

هر چه حاصل شد دولت سهمش را بر در رعیت هم سهم خودش را تقصیر رعیت بوده است که جنس بد شده است؟ جناب عالی یا آقایان یک نفر غواص میفرستید در دریا ببول هم میدهند که بر ایشان غواصی کند مروراید بیرون بیارود آن وقت صدف خالی بیرون می آید حالا بگوئید ما پول تو را نمیدهیم زیرا که صدف مروارید نداشت است

پس عقیده بنده این است که دولت

مجبور است هر چه از زمین حاصل شود به بنا بقدر سهم خودش بردارد خواه جنس خوب باشد خواه بد. هر چه باشد منتهی باید يك باشد بی خساک باشد کثافت نداشته باشد

نظر بحال رعیت و نظر باینکه شاید خورده مالکها بقدر گذران سال خودشان نداشته باشند این جا عقیده شده که تا سه خروار میتوانند تعمیر بکنند بنرخ عادل شهر یور ماه و مهر ماه محل

يك نفر از نمایندگان - بنرخ عادل موقع برداشت معمول

آقایان ز شهاب - بلی بنده حالا این طور پیشنهاد کرده ام و گمان میکنم اگر غیر از این باشد مطابق انصاف نیست

رئیس - آقای عمل عضو کمیسیون هستند

آقا میرزا یوسف خان عمل - بلی عرض میشود - بنده با پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب موافقم و رأی هم خواهم داد فقط يك مستغیر شد کسری خواستم خدمت آقایان بدهم

هائطور که آقای مغرب فرمودند در اصل ماده نوشته بود قیمت متوسط جنس در شهر یور ماه مهر ماه این مسئله در کمیسیون هم مذاکره شد چون معمول ایران در مواقع متفاوت برداشت میشود و از محل شروع میشود تا قریب وقوس

یک نفر از نمایندگان - تا آبان ماه عمل - بسیار خوب تا آبان ماه این است که نمیشود مامورین کرد و در این دو ماه در یکجا جنس خیلی گران است

در یکجا ارزاق یعنی در یکجا مدتی از برداشت معمول گذشته در یک جا هنوز برداشته نشده اینست که ما عبارت را تغییر دادیم و نوشتیم

قیمت متوسط جنس در موقع برداشت معمول همان محل حالا از آقا هم استعدما

میکنم این را اصلاح بفرمایند و موقع برداشت معمول کنند تا رأی بدهیم و گمان میکنم آقای مغرب هم قبول کند

آقا میرزا شهاب - بسیار خوب (پیشنهاد ایشان مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - مأمورین مالیه در هر محل باید همین جنس مالیه حاصل از آن محل را قبول نمایند ولی حق خواهد داشت تا معادل سه خروار از جنس بدهی خود را بنرخ عادل همان بلوک مسما بردارد

رئیس - آقای مغرب چه میفرماید

مغرب بنده نمیتوانم عقیده شخصی خودم را عرض کنم ممکن است بنده شهادت بدهم و البته این نظری که آقایان اتخاذ فرمودند يك نوع تسهیلاتی است برای زارعین و

هنوز کاملاً از نظریه اعضاء کمیسیون مطلع نیستیم

لیکن اینقدر میدانم که این جمله وقتی مذاکره میشد نماینده دولت معتقد بود که اگر مردم مردمی بودند که ما ایشان مطلعش بودیم که تقبلی نمی کنند و همین معلک را تحویل میدهند

ممکن بود دولت هم قبول کند ولی ممکن است يك کسی جنس خوب بدهد از این جهت بنظر مجلس است

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد

بعضی از نمایندگان - رأی قطعی است

رئیس - خیر - چون مغرب کمیسیون قبول نکرده است قطعی نیست پیشنهادی است که در ضمن شور دوم رسیده است و مطابق ماده ۳ رأی که نسبت باین پیشنهاد ها گرفته می شود نسبت بقابل توجه بودن است.

اگر آقای مغرب قبول میکردند زحمت آقایان کم می شد بنابر این ماده ارجاع می شود بکمیسیون سایر پیشنهادها هم اگر آقایان موافق باشند ارجاع میشود بکمیسیون. حالا به قدر ده دقیقه تنفس می شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون واجع بماده سه که ارجاع بکمیسیون شده است بعرض میرسد

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۳ - بطور تجزیه رأی گرفته شد قسمت اول (دو فرسخ) بالاتر کلیه وقت قسمت دوم رد گردید

رئیس - بنده تصور میکنم چون ماده سه هم مربوط بماده دوم است نباید ارجاع بکمیسیون شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده پنج قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵ - کتان - کنف - نیل - رواس - نی شکر - نیشکر - چغندر رنده - جای و توستان جهت کرم ابریشم از تاریخ اولین این قانون معاف است و این خبر ثانوی بد تنظیم شده و گمان می کنم سهواً شده باشد

مینویسد

کتان - کنف - نیل - رواس - نی شکر - چغندر رنده - توستان جهت کرم ابریشم از تاریخ اولین معاف است و خوب از تاریخ اولین معاف است این است که اگر در سه سال قبل از این کاشته شده باشد حالا باید مالیات بدهد.

در صورتی که مقصود این نبود الاخره بنده با این خبر کمیسیون مخالفم و این خبر سابق کمیسیون را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده يك موافقی هستم که بعد از دو مخالف مجبورم عرضم را عرض کنم و می خواستم به آقای

اشخاصی که دارای این قبیل زراعت ها هستند

برای اینکه از کاری که در دست دارند انتفاعی ببرند و بنا به نیت دقتی که در این مسئله شده است تمام این چیزهائی که در این ماده اسم برده شده است از سه سال تا پنج سال معاف است و همین مدت آنها تمام و انتفاع برداشت و همین مدت پنج سال کافی است و علاوه از این مدت هم ضرورتی ندارد.

این مدتی را که اضافه نوشته شده است بنظر بنده يك مراعاتی می خواسته اند از زارعین بفرمایند در صورتی که بضرر دولت است زیرا همه ساله در واقع دولت باید يك مغارجی بکند در مقابل چیزهائی که از آنها مالیات نمی گیرد در صورتی که معافیت این دو سال هیچ ضرورت ندارد و پنج سال کفایت میکند

در اطراف هر يك از این فقراتی که در اینجا نوشته شده است ملاحظه کامل شده و منتها سه سال و چهار سال نمره خود خود را میدهند و در سال پنج مالک در کمال خوبی میتواند فایده ببرند بنابر این ما پنج سال را کافی دانستیم

رئیس - آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - در وقتی که این ماده مطرح ملما کرده بود در خبر کمیسیون هفت سال تعیین شده بود بعضی از آقایان من جمله شاهزاده افسر پیشنهاد کردند که هفت سال کم است و ده سال پیش نهاد کردند پیشنهاد برگشت بکمیسیون و خبری که اخیراً تقدیم شده برخلاف آن است به جهت اینکه در خبر قدیم نوشته شده بود - کتان - کنف - نی شکر چغندر رنده - جای توستان - جهت کرم ابریشم از پرداخت این مالیات برای مدت هفت سال از تاریخ این قانون معاف است و این خبر ثانوی بد تنظیم شده و گمان می کنم سهواً شده باشد

مینویسد

کتان - کنف - نیل - رواس - نی شکر - چغندر رنده - توستان جهت کرم ابریشم از تاریخ اولین معاف است و خوب از تاریخ اولین معاف است این است که اگر در سه سال قبل از این کاشته شده باشد حالا باید مالیات بدهد.

در صورتی که مقصود این نبود الاخره بنده با این خبر کمیسیون مخالفم و این خبر سابق کمیسیون را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده يك موافقی هستم که بعد از دو مخالف مجبورم عرضم را عرض کنم و می خواستم به آقای

فرزین تذکری بدهم که اینقدر حمله به اعضاء کمیسیون نکنند که دولت قبول نمیکند. بنده عرض میکنم چرادرست قبول شما میگویم مالیات کم می آید خوب اگر بودجه کم آمده وزارت مالیه از جیب خودش میدهد؟ این طور که نیست اگر کم آمده بکلیه به مجلس پیشنهاد میکند و میگوید این بودجه که ما داریم اینقدر کم آمده است.

در حال ما ناچاریم که در مالیات مستقیم مراعات رعایا را بکنیم و البته در این جا باید وزارت مالیه هم با کمیسیون موافقت کند که يك قدمهائی برای اصلاح حال زارعین و فلاحین برداشته شود پس اگر ۷ سال باشد بهتر است و باز عرض میکنم کسری بودجه را باید لایحه که وزارت مالیه تقدیم میکند میتوان جبران کرد و مربوط باین جا نیست.

اما نسبت به فرمایشی که آقای آقا شیخ فرج الله کردند خیلی غریب است!!

ما میگوئیم کرم ابریشمی که امسال میخواستند معاف بدهد تا ۷ سال دیگر معاف است اگر قبل از این توستانی باشد که شامل حال او نمی شود؟ برای این که ابریشمی از ش تحصیل نکرده.

کرم ابریشم از آن سالی که نتیجه میدهد تا ۷ سال معاف است. اینکه اگر بنده يك توستانی داشتم در صد سال یا ۵۰ سال پیش از این من که کرم ابریشمی از آن تهیه نکرده ام که مأمور مالیه از من مالیات بخواهد.

از امروز در تمام مملکت ایران هر کجا کتان یا کنف ابریشم روناس معمولی که از این راهها حاصل میشود از تاریخ اولین معاف تا هفت سال معاف است و بنده با ماده کاملاً موافقم و خیلی هم خوش است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

معاون وزارت مالیه البته مذاکرات کافی است منتها بنده لازم میدانم خدمت آقای آقا سید یعقوب نماینده محترم عرض کنم که وزارت مالیه هیچوقت ننگفته است و ممکن هم نیست نسبت بان چیزی که اراده مجلس تعلق گرفته است بگوید البته دولت يك لایحه را به مجلس تقدیم میکند نمایندگان هم ملاحظه می فرمایند و هر چاره که صلاح حال مملکت بدانند دولت آنرا بوقوع اجرا میکنند.

منتهی دولت هم يك عاملی است در مقابل مجلس برای عمل و البته در مسائلی که برای رفاهیت اهالی مملکت فراهم میشود فکر دولت و مجلس بایستی با هم توأم شود و يك صورت از آب در بیاید.

البته نظر دولت عبارت از آن

چیزهایی است که باید به یک نتیجه مفیدی بعال عامه از شایر پیون بیاید والا دولت را لازم نیست بنده تشریح کنم.

دولت که عبارت نیست از یک هیئت بخصوص در یک جایی که بخواهد یک عواندی را در پهلوای خودش جمع کند و برای مصرف بخصوص نگاهدارد.

دولت یک میری است برای اینکه قوانین این مجلس را به موقع اجرا بگذارد.

متن این است که دولت در ضمن عمل بیشتر از مجلس برمیخورد به مشکلات و نواقص و مدافع و آن نواقص و مدافع و مشکلات را در موقع ضرورت حسب التکلیف برض مجلس میرساند اگر قبول شد بسیار خوب و اگر قبول نشد که مجلس یک لایحه یا یک ماده واحد یا یک قانونی تصویب می فرماید ام از اینکه نافع باشد یا نباشد.

می فرماید این را باید موقع اجرا گذاشت و همان تباطؤ نمود امر قطعی است و باید هم اجرا شود.

آنچه بنده عرض کردم باز هم عرض میکنم روی این اصل است و لازم میدانم عرض کنم دولت در این قسمت بخصوص و الان مذاکره می شود و مذاکرات خود را کرده است و نیز خواهد اجاری نسبت برحیث مفولک کند و رعایت رعیت را هم میکند.

اما زیادت از ۵ سال را غیر لازم تصور میکند که چیز غیر لازم نیست دمسال باشد ۱۰ سال باشد البته یک رالی را تصویب می فرماید اجرا می شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادت واصله قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای مدرس بنده پیشنهاد میکنم بجای ۷ سال نوشته شود تا میزی جدید.

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - گمان میکنم در اول که قانون میزی پیشنهاد شد مسئله جای و اینها را بنده پیشنهاد کردم اضافه شود.

از بیاناتی که آقایان کردند بنده میجو می فهمم که حقیقت آن تصدیق مجمل مانده معنی ماده این است که وقتی که میروید یک مزرعه را میزری کنید متلا در رشت که هم برنج دارد و هم کف دارد و هم ابریشم وقتی که میخوانند میزری کنند عایدی برنج را منظور بیآورند و میزری کنند ولی عایدی کف را میزری نکنند یا آن جای که عاید میشود آنرا منظور نکنند.

آن پیشنهادی که ما کردیم مقصد ما این بود در زمانه درانهم کتان است پیشتر هم هست اما چندین قند تا بعال نشینده ایم

که کاشته باشند. بعد از این بکارند بعد از این حالا بنده می بینم که این راه مشیمه کرد. اند اهدا چون این را هم ضمیمه کرده اند معلوم میشود مسئله دستشان نبوده.

حالا این قانون تمام میشود و وزارت مالیه هیئت هائی برای میزری میروند و وقتیکه میروند میزری کنند این دره من روناس دارد گنهم دارد جو دارد. بنه دارد. گنهم و جو و بنه اش را میزری میکنند ولی روناس را کالعدم باید فرض بکنند اگر منعی این ماده این است که سال بسال بیرونه مالیات بگیرند مالیات هاهائی را که میزری کرده اند میگیرند ولی آنچیزی را که از اول الفاء کرده اند از باب اموالیاتی مطالبه نمیکنند

دو سال و سه سال و هفت سال را من سر در نیآورم چه چیز است این را که میزری نکردند اسباب تشویق مردم است بجهت ترویج این منابع.

این می ماند تا میزری دیگر آنوقت اگر یک و کلای خوبی دارند مثل آقایان که خوب بفکر ملت آنها هم یک ترتیباتی درست میکنند و اگر خدای نخواست مثل ماهستند که خبر و بالاخره بنده دو سال و سه سال و یک سال را نمی دانم یعنی چه.

الان که آقای سردار ممتدده هزار درخت توت در رشت دارند میز که میروند چکار میکنند این هارا می بیند عایدیش چقدر است و تا هفت سال میگذارد زمین سر هشت سال حساب میکند که مالیاتش چقدر است این است مراد شما پیشنهاد قانون میزری ما که اینها نبود.

این بود که بجهت تشویق مردم برای ترویج این اتمه اینها را منظور نیآورند و جزء میزری و عایدی بشمارند تا مردم تشویق شوند این اتمه ترویج بیاید لهذا بعقیده من آقایان در این مسئله اگر صلاح میدانند زیادت از این مذاکره فرمایند و همینطور از این میزری تا میزری جدید اگر میزری جدید دیگر پنج سال شد سر پنج سال خودشان میدانند و این هفت سال و دو سال و سه سال آن تشویقی که اصلا منظور نظر حاصل نمی شود و همه نظر این است.

مثلا از اندران می بینیم دانه دانه یک کتانی تصفه می آورند معلوم می شود خیلی قلیل است پس باید تشویقشان کرد که این قبیل زیاد شود اصل مقصد این است و بنده گمان این است که بجهت این عرض مشروع یک سال دو سال سالی اهمیت ندارد که جلو تشویق را بگیرد. بگویند تا میزری دیگر که مردم تشویق شوند این بود عرض بنده و آقای مغیر هم گمان میکنم اگر قبول فرمایند خوب است.

معاون وزارت مالیه - اگر ماده را

آطوریکه تشریح فرمودند باشد البته مذاکراتی که نماینده محترم فرمودند جا دارد ولی مقصد از تنظیم این ماده این بوده است که آنچه امروزه وجود دارد گنا کتان مالیات خود را بدهد

مدرس - خیر نباید میزری شود بنده توضیح دارم معاون وزارت مالیه - ولیکن برای تشویق اینطور در نظر گرفته شد که چیزهایی هست که در داخل ملکیت خیلی نافع است و در بعضی محلها هم آب و هوا خیلی مساعد است.

اشخاص هم شاید گاهی بفکرشان میگذرد و در صد می شوند که یک محصولی را تهیه بکنند ولی بناست اینکه در سنوات اول باید معارجی بکنند و بعد هم یک مالیاتی این است که تشویق نمی شوند که دنبال اینکار بروند فرضا روناس و نیل و انثال اینها و چیزهایی است خیلی مفید و مال التجاره خوبی است برای صدور از مملکت و توتستان برای تهیه بنه و ابریشم و عکار ابریشم بسیار و چیز لازمی است.

بنابر این برای اینکه هم توسعه پیدا کند و هم مردم تشویق بشوند بکاشتن و پیش بردن این مقصد اینطور گفته شد که هر کس بخواهد غرس درخت توت بکند البته درخت توت در آن نواحی که برای این معصل مفید است که فرس این درخت را بکند دولت پیشنهاد کرده است پنج سال از تاد به مالیات معاف باشد و بعد میزری کرده است که پنج سال کافی است برای اینکه در سال چهارم میتواند برگ بگیرد و گرم ابریشم زاخوردک بدهد و همین طور سایر چیزهای دیگر یک میزری برایش گرفته شده است که از روزی که شروع می کنند و بکارند و قایده میبرند تا فلان مدت از ادای مالیات معاف باشند

برای اینکه فارغ البال و بدون اینکه چیزی براو تحمیل شود تشویق شوند و بروند دنبال اینکار که هم خودشان بهره ببرند و هم دولت استفاده کند

مدرس - بنده توضیح بایدهم

رئیس - متأسفانه نمی شود مدرس معلوم شد اصلا سرد نیآورند

باید رفع شبهه شود رئیس - میفرمائید فرمایشات جناب عالی را بر خلاف واقع جلوه دادند

مدرس - بلی بر خلاف واقع فرمودند

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

رئیس - بفرمائید مدرس - بلی بیانات آقای معاون تا باید کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد

روناس هم مالیات نمیدهد و هم هست که در بیست سالی سال صد سال قبل از این یک هایدات اجمالی بر آورد کرده اند و یک مالیاتی هم پیش بسته اند یک دفعه بنه میکارند یک دفعه درخت یک دفعه انگورو و یک دفعه خربوزه و هندوانه اینها که بخصوص یکجا کتان داشته باشد یا یکجا ابریشم داشته باشد

درخت ابریشم مادر ولایت خودمان نسازیم و نمیدانم درخت ابریشم مالیات دارد یا نه اما جاهائی که دارد گمان میکنم مالیات ندارد که شما بگویند آنهاائی که داشته است مالیات بدهد اصل مقصد این بوده است مسئله این است

الان شما میفرمائید تا هفت سال دیگر مالیات ندهد در صورتیکه بعد از میزری هر کسی هر چه دلش بخواهد میکارند و همان مالیاتی که امسال میزری شد باید بدهد بعد از اینکه میزری شد البته من یکسال درخت توت میکارم یکسال خرما یک سال چیز دیگر چه ربطی به موضوع دارد!

سال میزری مالیات تعیین میشود. از اول مقصد از میزری این بود که در وقتی که این میزری می رود میزری کند اجناس را که بنظر می آورد که مالیات به آنها بیفتد یا نه با قیمتاً چه چیز هائی از آنها را مستثنی کند

مثلا در آنوقت یک کسی گرم ابریشم دارد بعد از دو سال دیگر خواست درخت ابریشم را بکند چیز دیگر بکارد آنوقت بعد از دو سال ازمن که مالیات بدهم بجهت اینکه جای درخت ابریشم چیز دیگر کاشته ام که مالیات مطالبه نمیکند همه مقصد این است که در وقت میزری اینها را منظور نیآورند

اینست که نتیجه دارد و غیر از این هیچ نتیجه ندارد سابق بر این در این مملکت پیشتر مالیات داشت با روناس مالیات داشت مالیات را مزرعه روی هر رفته داشت. زراعت مختلف بود. گاهی روناس می کاشتند. بعضی اوقات یک چیز دیگر اصل مقصد این بود که گمان میکنم آن ترتیبی که فلسفه دارد و نتیجه دارد این است و غیر از این ترتیب چه نسبت بیست و بی نتیجه

من سابق درخت توت داشتم حالا درخت توت ندارم میزری کردند و مالیاتی بر مزرعه من بستند بعد از دو سال دیگر درخت توت کاشتم آنوقت مالیات بدهم بجهت اینکه درخت توت داشتم آنوقت نداشتم

زرد آورد داشتم حالا درخت توت را مالیات بدهم

پس بالاخره نتیجه مال میزری است را که آقایان عرض بنده را توجه فرموده باشند

تصدیق می فرمایند که از بابت لایحه و ناچیزی زیاد توضیح دادم فعو خواهد کرد

رئیس عقیده کمیسیون چیست؟ مخبر - کمیسیون جدید که انتخاب شد بعقیده اینکه اعضاء کمیسیون سابق این را برت را تقدیم مجلس کرده بودند دولت توافقی نظر حاصل کرده اند و این کمیسیون سابق را نمی دانم چه بوده که این را برت را تقدیم مجلس کرده اند اگر یاد داشت توافقی نظر حاصل شده و تقدیم مجلس کرده اند پس چرا دولت نظر من را عرض کرده اگر توافقی حاصل نشده پس چرا به مجلس تقدیم کرده اند

در حال استندا میکند آقایان اجازه بدهند این ماده هم مثل سایر مواد برگردد کمیسیون آقای مدرس هم تشریف بیآورند کمیسیون نماینده دولت هم حاضر است را برت جدیدی تهیه کرده و تقدیم مجلس میشود

معاون وزارت مالیه - اجازه می فرمائید؟ رئیس - تقاضا کرده اند به کمیسیون ارجاع شود چون آقای مغیر تقاضا کرده اند یک کمیسیون ارجاع شود ولی بنده تصور میکنم این ترتیبی که پیش آمده است نسبت باین لایحه مخصوصاً یک ترتیب مطلوبی نیست

این لایحه چندین ماده است وقت مجلس را اشغال کرده می میرود یک کمیسیون و نایبته بر میگرد به مجلس بهتر این است که کمیسیون یک ترتیبی در خارج اتخاذ کنند با آقایان تبادل نظر کنند که این قدر وقت مجلس تلف نشود

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض دارم

رئیس - راجع بچه حاج میرزا عبدالوهاب - راجع باینکه کمیسیون با دولت در این باب توافق نظر حاصل کرده بود

رئیس - اینکه گذشت جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روزیکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه همین قانون میزری و فقره شهریه

(مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمدتدین منشر - ام شهاب منشی - علی خطیبی

تصدیق می فرمایند که از بابت لایحه و ناچیزی زیاد توضیح دادم فعو خواهد کرد

رئیس عقیده کمیسیون چیست؟ مخبر - کمیسیون جدید که انتخاب شد بعقیده اینکه اعضاء کمیسیون سابق این را برت را تقدیم مجلس کرده بودند دولت توافقی نظر حاصل کرده اند و این کمیسیون سابق را نمی دانم چه بوده که این را برت را تقدیم مجلس کرده اند اگر یاد داشت توافقی نظر حاصل شده و تقدیم مجلس کرده اند پس چرا دولت نظر من را عرض کرده اگر توافقی حاصل نشده پس چرا به مجلس تقدیم کرده اند

در حال استندا میکند آقایان اجازه بدهند این ماده هم مثل سایر مواد برگردد کمیسیون آقای مدرس هم تشریف بیآورند کمیسیون نماینده دولت هم حاضر است را برت جدیدی تهیه کرده و تقدیم مجلس میشود

معاون وزارت مالیه - اجازه می فرمائید؟ رئیس - تقاضا کرده اند به کمیسیون ارجاع شود چون آقای مغیر تقاضا کرده اند یک کمیسیون ارجاع شود ولی بنده تصور میکنم این ترتیبی که پیش آمده است نسبت باین لایحه مخصوصاً یک ترتیب مطلوبی نیست

این لایحه چندین ماده است وقت مجلس را اشغال کرده می میرود یک کمیسیون و نایبته بر میگرد به مجلس بهتر این است که کمیسیون یک ترتیبی در خارج اتخاذ کنند با آقایان تبادل نظر کنند که این قدر وقت مجلس تلف نشود

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض دارم

رئیس - راجع بچه حاج میرزا عبدالوهاب - راجع باینکه کمیسیون با دولت در این باب توافق نظر حاصل کرده بود

رئیس - اینکه گذشت جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روزیکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه همین قانون میزری و فقره شهریه

(مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمدتدین منشر - ام شهاب منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۲۰ صورت مشروح مجلس ۱۳۰۴ مطابق پنجم جماد الاول ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای طباطبائی دیبانی رئیس تشکیک شد (صورت مجلس پنجمشنبه ۲۸ تان ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای آقا سید - یعقوب (اجازه)

آقا سید - یعقوب - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای دکتر احتشام (اجازه)

دکتر احتشام - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - بنده هم عرض قبل دستور است نایب رئیس - آقای انور (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای شیخ قریح الله (اجازه)

آقای شیخ قریح الله بجای آقای سید احمد خان اعتبار بکنفر عضو برای کمیسیون بودجه انتخاب شد و نمایان رئیس اداره مرکزی تلگرافخانه هستند با اینحال در صورت مجلس ایشان را غائبی اجازه نوشته اند این مورد ندارد

یک نفر از نمایندگان - هنوز استعفا نداده اند

نایب رئیس - آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقای میرزا شهاب - بنده و آقای میرزا حسین خان اصفهانی و اسمعیل خان وکیل را دیر آمده و بی اجازه نوشته اند در صورتی که راجع بیکی دوقره کار کرمان بود که ناچار از رفتن بتلگراف خانه شدیم و مستحباً هم استعجازه از مقام ریاست کردیم

نایب رئیس اصلاح میشود در صورت مجلس ایرادی نیست (گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - یک مسئله ایست که مکرر در همین مجلس هم بنده و هم سایر آقایان مذاکره کرده اند روزنامه جات معلوم این مسئله را آورد توجه فرماد و بنده و آقای نظامی هم در این باب مذاکرات زیادی کردیم و آن مسئله صحیح مملکتی است

این مسئله مسلماً بعد از امنیت اول قدمی است که باید برداشته شود که نعمتان مجهولان الصحة و الامان بلکه صحت بالاتر از آن است

اینهارا میدانیم ولی نمیدانیم مسئول صحیح کیست بهائوری که بنده در کمیسیون بودجه شنیده ام برای شهریار سالی ۴۰۰ تومان اعتبار مین شده که در عرض سال گنه گنه بخزند بپردم بدهند که از مالاریا نمیرند

بطوریکه بنده تحقیق کرده ام یکساله ۴۰۰ تومان یا ۳۰۰ تومان خرج اینمحل شده است خوب مادر مالیه و غیره بگرات صحبت میداریم دولت هم همراهی و تصویب میکند تمامت هم یک درخواستی میکنند بصحیه هم پول داده میشود اما کجا می رود من نمیدانم این چه مالاریائی است که خوب نمی شود اگر سال چهار هزار تومان برای مالاریای شهریار خرج بشود مسلماً مالاریا از آنجا خواهد رفت زیرا شهریار یک مملکتی نیست یک بلوکی است دارای سی یا چهل ده

حرف بنده که در مجلس تقاضا می کنم این است که حقیقتاً مسئول صحیح معلوم شود

بنده عقیده ام این است که مطابق آنچه که بعضی از جراثیم تعقیب کرده اند برای صحیح یک وزیر معین شود و همان طور که امور دیگر وزیر مسئول دارد که وکیل میتواند مطابق وکالت خودش او را تحت مسئولیت در آورد و سؤال کند در در این موضوع هم اگر وزیر مسئول باشد بنده سؤال میکنم بلکه بالا تر از سؤال استیضاح میکنم که برای صحیح شهریار تنها که مالی چهار هزار تومان اعتبار داده شده است چرا ۳۰۰ یا ۳۰۰ تومان خرج آنجا شده است آنوقت بنده و آقای نظامی و دیگران می فریاد بریزیم

ما باید نه از اینجا قدم برداریم برای ترقی مملکت ممکن است بن بگویند چرا از سر حداثت صحبت نمی کنی یا چرا از قرائتین بوشهر صحبت نمی کنی بنده عرض میکنم اینجا زیر گوشان است باید از اینجا شروع کنیم و قدم قدم جلو برویم علی الاعمال باید بکنفر مسئول این کار باشد که او را سؤال کنیم صدوسی و دوهزار تومان که برای صحیح در بودجه

پارسال اعتبار داده شد صورت ریزش کجا است

در دیدمان است این است که یک یولهای از ملت بعنوان مختلف گرفته می شود و در مقام صل نیست چون بنده در کمیسیون بودجه از این قضیه اطلاع پیدا کردم این بود که بعضی آقایان رساندم اگر ما دقت کنیم برای خشک شدن چمن گمال آباد و سیاه آبهای شهریار آنوقت چه میشود

این است که بنده تقاضا میکنم از مقام ریاست که در این باب با کفیل ریاست وزراء را بخواهند که اینجا معین کنند مسئول صحیح کیست؟

ما که میخواهیم برای ترقی مملکت قدم برداریم خوب است اول قدم را برای صحیح برداریم که حفظ صحت اهالی تأمین شود

مانا چارم یک وزیر مسئول برای این کار داشته باشیم که او را تعقیب کنیم تا یک قدم سی برداشته شود

نایب رئیس - آقای دکتر احتشام (اجازه)

دکتر احتشام - در این وقت که مدت مسامت چهل روز بنده بیان رسید و برای انجام وظایف خود مراجعت زده خدمت آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی شرفیابی حاصل کردم بدو لاریتکه در این مدت از خدمت آقایان محترم دور بودم اظهار تأسف میکنم

و در تانی برای آنکه روحاً با اجرای تکالیف حق نمایندگان معظم که در نتیجه سعادت و نیکبختی ایران و ایران را مضمّن است شریک و مساعد بوده هستم و بابت مسرت بی نظیری تبریکات قلبیه خود را تقدیم و از طرف موکلین خود هم آقایان عظمای را از اینکه بایکدم سر بیجی بناب سعاد و سربلندی را برای این آب و خاک مفتوح فرموده اند تبریک و تعنیت می گویم

مخصوصاً تقاضا مینمایم این اظهار مسرت و شادمانی را که از طرف آقایان علماء اعلام و تجار و انجمن اصناف و سایر طبقات ملت اصفهان و آمیخته بکمال صمیمیت و انتظار امیدوار است و عرض و ابلاغ آن را بعهده بنده وا گذاشته اند بحسن نظر و قدر دانی از احساسات بی آرایش آنها تلقی فرمایند امیدوارم با این روح وحدت و یگانگی که بین نمایندگان مجلس شورای ملی و دولت علیه والا حضرت اقدس پهلوی ایجاد شده از این مجلس مملکت خانه یابد و با املاقه مندی مخصوصی که بنده گان والا حضرت اقدس از بدوزمام داری خود نسبت باین ملت و مملکت ثابت فرموده اند ترقیات محیر العقول که صده نقطه نظر بنده گان والا حضرت اقدس

است ایران و اهالی آنرا عاید گردیده در مقابل ملل حیه مغرور و سراقاز سازند

از آنجا که خود را موظف می دانم وضعیت ادارات دولتی اصفهان و اهالی آنرا از نظر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی بگذرانم اطلاعات چندروزه خود را بر عرض می نمایم

آقای نصر الملک . . .

آقای سعید یعقوب - اسمش را بفرمایید

القاب ملفی شد

دکتر احتشام - حسنعلی خان هدایت که فعلا مسئولیت حکومت را بعهده گرفته اند از مردمان نجیب السلسله و تاکنون کاملاً بجلب رضایت اهالی اصفهان موفق بوده اند

آقای سرهنگ ابوالفتح خان بر ریاست قشون اصفهان منصوب و چون از جوانان تحصیل کرده مذهب الاحلاق است علاوه بر این در اصفهان دارای علاقه و محتاج باذیت مردم نیست با نام مردم بطور رفت و مهربانی سلوک می نماید

اداره نظمی آنجا حقیقتاً بسیار خوب و موجب کمال خوشنودی تمام طبقات مختلفه است مخصوصاً آقای سرهنگ احمد علیخان رئیس نظمی اصفهان با این قبیل بوده فقط بعلت حسن اخلاق و مهربانی از عهده تامین اهالی و اداره کردن اداره نظمی بر آمده است

ولی متأسفانه اداره مالیه اصفهان بیشتر از اجزای مالیه و اشخاص بصیری عرض دست داد دچار بیکار شده اختلال و بی ترتیبی شده که اهالی و علاقه مندان با امور اقتصادی ایران را باعث نگرانی گردیده است

من جمله در ظرف سه سال دوپست و ۱۸ هزار تومان کسر صندوق مالیه است که سرت شده حالاً مرتکب این سرت کی بوده البته کشف خواهد شد

تنها وسیله که در مقابل بی نظمی و ویروز خلاف انتظارات از طرف مالیه اصفهان اهالی را امیدوار کرده وجود آقای میر سید محمد خان پیشکار مالیه است که اخیراً باین سمت اصفهان رفته و با اشتغالی که بصحت عمل دارنده اوقات خوراسرف اصلاحات نموده و می نماید

اوضاع اقتصادی و تجارت کسبه بلکه عامه اهالی اصفهان بی اندازه اسف آور است زیرا علاوه بر اینکه در سنوات سابقه که مملکت دچار انقلابات و حدوت جنگ بین المللی هم بآن ضمیمه شد مردم آنجا سرمایه خود را از دست داده پیرانشانند متعاقب این ابلاعات در سال مجامعه هشت سال قبل که تسعیر جنس در تمام ایران ترقی کرد مردم اصفهان در شش ماه تمام گندم خرواری سیصد تومان تهیه و اعاشه نمودند

باضافه انلاف عده کثیری از جمعیت اصفهان فاقدهستی شدند

اگر در ظرف چهار سال اخیر ایجاد امنیت کامل که بگانه اسباب امیدواری اهالی این مملکت است و توسعه کسب و حرقت و تاملین تجارت و وزارت و سایر امور اقتصادی که کم نمیکرد امروز دیگر اسمی از آن باقی نبود این اوقات نقصانی که باقی مانده و اهالی اصفهان را از اشتغال با امر تجارت و بسط کسب و صنعت دلسرد کرده و موجب ضرر و خسران شده

اینست که از چند ماه قبل باینطرف بانک پول شکسته و سائیده را قبول نمیکنند اگر آن شکسته علاوه بر صرف معمولی برات هزاری و چهار تومان زیادی بگیرد مثلاً بده هزار و چهار تومان بیانک بدهند و هزار تومان حساب کنند چون کلیه معاملات تجار و کسبه شهرهای ایران بوسیله بانک است بدو هزاری جدید الضرب هم دست رس ندارند

برای آنکه صرف نظر فوق الماده این مسئله اهالی را بز کار و کسب و شغل خود باز داشته باشد بزرگی بحال اقتصاد وارد کرده و کندولازم است در جلوگیری از این زحمت و خسارت کلیه مردم ایران از طرف وزارت جلیله عالی به تعطف توجهی عاجل باشد

لذا از مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی تقاضا دارم بوزارت مالیه اخطار شود که با سرعت وسائل موجبات رفع زحمت و نگرانی مردم بیچاره ایران خاصه اهالی فقیر بی بضاعت اصفهان را فراهم و قراری بدهند که پول سائیده و شکسته قبول و در بازار تمام شهرها مروج شود

نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - بنده عرضی ندارم بعضی از نمایندگان دستور نایب رئیس - وارد دستور می شویم خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بپاده دوم قانون مجری مطرح است

شیروانی - بنده یک تذکری دارم اجازه میفرمایید

نایب رئیس - بفرمایید

شیروانی - کمیسیونها را مقرر بفرمایید که بر سرشان انتخاب کنند

نایب رئیس - کسری کمیسیونها را عرض می کنم

کمیسیون فواید عامه دولتی قوانین مالیه دولتی - معارف - فرهنگ نظام هشت نفر داخله و نفر در ضمن مذاکره آقایان در نفر دولتی تشریف بفرمایند بدهند

آقایان نظار هم تشریف بفرمایند

(خبر کمیسیون قوانین مالیه بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه ماده دوم مالیات املاک از بابی و دو بار با شرح ذیل تصویب

نماینده دولت نتوانست بگردد حلی برای قسمت اول پیشنهاد کند زیرا عقیده یکسده از آقایان این بود که جنس باید بکلی تسعیر شود و مالیات جنسی بکلی موقوف شود و بعضی از آقایان عقیدهشان این بود که مالیات باید بکلی جنسی باشد غیر از خربوزه و هندوانه

مثل نظری که آقای سردار عشار داشتند و وزارت مالیه میخواست اختیار بدهد بنمایند خودش که اگر جنس بد باشد تسعیر کند و اگر خوب باشد جنس بگیرد و قدر جامعی که کمیسیون نتوانست پیدا کند

این بود که سه خروار را تسعیر کرد که مودی تسعیر کند و مابقی را جنس ببرد تا در موقوف عدل اگر تسهیلاتی پیش آمد و نتوانستند مالیات جنسی را بکلی موقوف کنند يك لایحه ای میاورند و نظر آقایان را که عقیده دارند مالیات جنسی موقوف شود تأمین می کند و توافق نظری که بین دولت و کمیسیون و نظر آقایان و کلایش آمد همین بود که مودی حق داشته باشد تا سه خروار جنس مالیاتش را تسعیر کند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در ماده دوم پیشنهادی کردم و بنا بود در کمیسیون اصلاح کنند و اگر بنا شود این ماده باین ترتیب بگردد موقتی برای عرض من دیگر باقی نمی ماند لذا حالا مجبورم مسئله را عرض کنم و پیشنهاد هم کرده ام

همانطوریکه آقای مغیر گفتند در این امر اقوال مختلف است اما چون بنده کسالت دارم از آقایان استدعا دارم برای عرض بنده در دست توجه بفرمایند اگر بنظرشان آمد که هیچ و الا قول بفرمایند

عقیده بعضی بر این بوده است که از همه چیز جنس بگیرند این تشدیدی است بعضی را عقیده بر این بوده است که همه را نقدی بگیرند مثل اینکه تا حالا هم معمول بوده الا در ناسر جاها که معمول نبوده است و الا در اکثر جاها سالها و فردن متعادی مالیات نقدی بوده و مردم هم عادت کرده اند

شا حالا که میخواهید يك چیز تازه طرح کنید يك کاری باید بکنید که هم اسباب رفاهیت مردم دو آن باشد هم صلاح دولت باشد

از این نقطه نظر حالا میباید این موافقم لیکن اینجایک پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب کردند که نصف آن پیشنهاد را الفاء کرده اند و نصف دیگر ضمیمه شده است بنده خواستم از آقای مغیر توضیح بخواهم علت این که بگنجد پیشنهاد را الفاه کرده اند و يك قسمت دیگر را ضمیمه کرده اند چه بود است؟

حائز زاده مغیر - علت این بود که

ما بلکه تمام دنیا است و عبارت است از گندم وجود شلتوک اینها را جنس بدولت بدهند و باقی چیزها را نقدی

این هم فاسد دارد بجهت این که سایر چیزها قابل تبدیل بود مثلاً امسال بنده ملکم را بقیه میکارم سال دیگر صیفی یا چیز دیگر و لذا این جهت هم قرار دادید که فیر از این سه جنس (که کمتر تسعیر میکنند و محل ابتلا عاموم است) باقی چیزها را نقدی بگیرند

بنده هم این فلسفه را قبول دارم و عقیده دارم که گندم وجود شلتوک باید در مملکت جنسی و سایر چیزها نقدی باشد در وقت میزنی هم باید این سه جنس را جنس میزنی کرد و در وقت دولت هم ثبت کرد یعنی میزنی وقتی میاید باید ببیند که مزرعه من در سال بقدر عدل میکند مثلاً از قرار تخم چهار تخم پانچ تخم اشش تخم دوپست خروار عایدی دارد و از قرار صد سه و نیم یا هر قدر فلان مقدار جنس از باب مالیات باید بدولت بدهم

مسئله در این است که جنس از باب مالیات باید بدولت بدهم

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در ماده دوم پیشنهادی کردم و بنا بود در کمیسیون اصلاح کنند و اگر بنا شود این ماده باین ترتیب بگردد موقتی برای عرض من دیگر باقی نمی ماند لذا حالا مجبورم مسئله را عرض کنم و پیشنهاد هم کرده ام

همانطوریکه آقای مغیر گفتند در این امر اقوال مختلف است اما چون بنده کسالت دارم از آقایان استدعا دارم برای عرض بنده در دست توجه بفرمایند اگر بنظرشان آمد که هیچ و الا قول بفرمایند

عقیده بعضی بر این بوده است که از همه چیز جنس بگیرند این تشدیدی است بعضی را عقیده بر این بوده است که همه را نقدی بگیرند مثل اینکه تا حالا هم معمول بوده الا در ناسر جاها که معمول نبوده است و الا در اکثر جاها سالها و فردن متعادی مالیات نقدی بوده و مردم هم عادت کرده اند

شا حالا که میخواهید يك چیز تازه طرح کنید يك کاری باید بکنید که هم اسباب رفاهیت مردم دو آن باشد هم صلاح دولت باشد

از این نقطه نظر حالا میباید این موافقم لیکن اینجایک پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب کردند که نصف آن پیشنهاد را الفاء کرده اند و نصف دیگر ضمیمه شده است بنده خواستم از آقای مغیر توضیح بخواهم علت این که بگنجد پیشنهاد را الفاه کرده اند و يك قسمت دیگر را ضمیمه کرده اند چه بود است؟

حائز زاده مغیر - علت این بود که

میرد در دفتر هم همینطور بنویسند که مثل مزرعه آقای قائم مقام الملک سال فلان مقدار شلتوک باید بدولت بدهد

ولی در موقوف گرفتن چنانچه پیشنهاد هم کرده ام عقیده بنده این است که اختیار بامودی مالیات باشد که اگر میخواهد جنسی را ببرد باینبار دولت تحویل بدهد یا اینکه یقیمت عادلانه محل پولش را بدهد و این جلو اشکالات را میگیرد و مأمورین را نسبت به بودیان مالیاتی از هر جهت میگیرد و آنکه در مملکت عملی است مجلس است

شما هم کلام غالباً از نقطه نظر و کز عقیده دارم که گندم وجود شلتوک باید در مملکت جنسی و سایر چیزها نقدی باشد در وقت میزنی هم باید این سه جنس را جنس میزنی کرد و در وقت دولت هم ثبت کرد یعنی میزنی وقتی میاید باید ببیند که مزرعه من در سال بقدر عدل میکند مثلاً از قرار تخم چهار تخم پانچ تخم اشش تخم دوپست خروار عایدی دارد و از قرار صد سه و نیم یا هر قدر فلان مقدار جنس از باب مالیات باید بدولت بدهم

مسئله در این است که جنس از باب مالیات باید بدولت بدهم

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در ماده دوم پیشنهادی کردم و بنا بود در کمیسیون اصلاح کنند و اگر بنا شود این ماده باین ترتیب بگردد موقتی برای عرض من دیگر باقی نمی ماند لذا حالا مجبورم مسئله را عرض کنم و پیشنهاد هم کرده ام

همانطوریکه آقای مغیر گفتند در این امر اقوال مختلف است اما چون بنده کسالت دارم از آقایان استدعا دارم برای عرض بنده در دست توجه بفرمایند اگر بنظرشان آمد که هیچ و الا قول بفرمایند

عقیده بعضی بر این بوده است که از همه چیز جنس بگیرند این تشدیدی است بعضی را عقیده بر این بوده است که همه را نقدی بگیرند مثل اینکه تا حالا هم معمول بوده الا در ناسر جاها که معمول نبوده است و الا در اکثر جاها سالها و فردن متعادی مالیات نقدی بوده و مردم هم عادت کرده اند

شا حالا که میخواهید يك چیز تازه طرح کنید يك کاری باید بکنید که هم اسباب رفاهیت مردم دو آن باشد هم صلاح دولت باشد

از این نقطه نظر حالا میباید این موافقم لیکن اینجایک پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب کردند که نصف آن پیشنهاد را الفاء کرده اند و نصف دیگر ضمیمه شده است بنده خواستم از آقای مغیر توضیح بخواهم علت این که بگنجد پیشنهاد را الفاه کرده اند و يك قسمت دیگر را ضمیمه کرده اند چه بود است؟

حائز زاده مغیر - علت این بود که

مردم دولت جنس دارد مردم هم جنس دارند اما مردم نباید مجبور باشند که حکما جنس خودشان را بدولت بدهند و از دولت بهر قیمت که دلش میخواهد جنسش را بفرشند

بنده با این ترتیب بکلی مخالفم و علاوه چنانچه عرض کردم مغارج مملکت ما هم نقدی است و جنسی نیست

دولت میخواهد جنس را از مردم بگیرد و بفروشد آنها بفروشد حالا که اینطور است اگر من که خودم جنس دارم باید بدولت بدهم در عرض اگر بخواهم پولش را بدهم دولت چه حق دارد که بگوید حتماً باید جنس بدهید

برای او هم فرقی ندارد زیرا که از من باید بگیرد و بدیگری بفرشند بنده چنانچه سابقاً عرض کرده ام دو ثلث خاک ایران را زفته ام و میدانم که اگر بنا شود دولت مالیات جنسی را عمومی کند هم اسباب زحمت مردم خواهد شد و هم مغارج مملکت در مضیقه خواهد بود

لذا بنده خواهش میکنم که آقایان اعضاء کمیسیون و آقای معاون که در اینجا تشریف دارند برزند در این مسئله تأمل کنند و میزنی را نسبت به گندم و شلتوک و جو جنسی قرار دهند ولی دهند گان را مغیر کنند که یا جنس را بدهند و یا قیمت عادلانه آنرا بدولت بپردازند و باین ترتیب نه مردم و نه دولت هیچ یک را زیان نخواهند انداخته از آقایان خواهش میکنم که اگر جوابی بدهند بدهند جواب مقنعی باشد

رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقا بد حسن اجاق - عرضی ندارم حائز زاده مغیر - اولاً لازمست عرض کنم که بنده مغیر هستم و باید بنا به وظیفه خود از عقیده کمیسیون که با نماینده دولت توافق نظر پیدا کرده است دفاع کنم عقیده شخصی بنده شلند با آقای مدرس موافق باشد ولی در اینجا نمی توانم بنده پیشنهاد آقایان را قبول کنم فرمودند که اگر دولت پناشود جنس بگیرد و احتکار کند من مخالفم الا باید دید که دولت چه میگیرد از خرمنی که صد خروار جنس موجود دارد دولت سه خروار و نیش را بعنوان مالیات و عوارض مالیاتی میگیرد الباقی نود و شش خروار و نیش نزد آقای مالک و رحبت باقی میماند

اگر چنانچه ما اجازه بدهیم باینکه دولت که هر وقت برای آنها صرف دارد جنسش را تسعیر کند و هر وقت صرف ندارد جنس بدهند خورده مالکها که محتکر نیستند آنها را که تا سه خروار مالیات بده هستند مردمانی نیستند که بخواهند احتکار کنند

اینها را ممکن است بگوئیم جنسشان

را اگر ایشان هست تسعیر کنند و نقد بدهند ولی کسانی که صد خروار و پنجاه خروار دوپست خروار مالیات بده هستند و از مزرعه شان فلان مقدار زیاد جنس برداشت میکنند دولت باید رقیب آن محتکرین باشد که این اجناس را زیادی انبار نکنند دولت باید در انبارش همیشه جنس باشد که گندم را محتکرین جنس را بالا بیاورند

دولت هم که تمام جنس ملاکین را معالیه نمیکند فقط سهم مالیات خودش را مطالبه میکند و وقتی دولت در انبار خودش يك مقدار جنس داشته باشد محتکرین نمی توانند جنس را بالا بیاورند

بنده نظرم هست پنج سال پیش که در مشهد بودم هر وقت انبار دولتی خالی میشد ترقی میکرد و محتکرین قیمت جنس را بالایی بردند و در موقعیکه در انبار دولت جنس بود نان مشهد فراوان و ارزان بود

اگر ما حالا يك مأمورین بدی داریم که يك سوء استفاده هائی از قوانین میکنند این دلیل نمیشود باید به بنیاد دولت چیست؟ دولت يك موسسه ای است که مردم برای حوائج عمومی خودشان انتخاب میکنند ما وقتی نظر خوب بدولت داشته باشیم و معتقد شویم که دولت را ما خودمان انتخاب میکنیم و از مأمورین کسانیرا که بدرد مردم میخورند اوستا انتخاب میکنند آنوقت نباید با نظر بدین بدولت نگاه کنیم یعنی تصور نکنیم که مقصود او از آوردن جنس در انبار این است که میخواهد نان را گران کند

باید عکس او را تصور کنیم یعنی مقصودش این است جنس در انبار باشد تا چلو محتکرین را بگیرد و بیشتر اعتراضاتی که آقای مدرس فرمودند راجع بقسمت اول ماده بود که ما بکلی او را برداشته ایم و گفته ایم آنها را که تا سه خروار مالیات بده هستند اجازه دارند که اگر صاحبان هست تسعیر کنند و اگر نیست عین جنس را بدهند و این عقیده را که آقای مدرس فرمودند بنده هم بسا عقیده ایشان موافقم

وزارت مالیه و کمیسیون هم با این ترتیب موافقت که اگر بشود تمام مالیات را نقدی کنیم بهتر است ولی در مملکت ما تمام نقاط یک جور نیست در سیستان در آذربایجان جنس دو سال و سه سال میماند و خریدار برای آن پیدا نمیشود

اگر چنانچه خواسته باشند مالیات را نقدی بگیرند رعیت نمی تواند پول تهیه کند و مالیات را بپردازد از این جهت ما مجبور شدیم تا سه خروار را تسعیر کردیم که اگر خورده مالکین بخواهند این مقدار را تسعیر کنند و الا عین جنس را مالیات بدهند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کانی است .
 (بعضی گفتند کانی نیست)
 نایب رئیس - عده برای رای کانی نیست .
 آقای افشار
 (اجازه)
 افشار - موافق
 نایب رئیس - آقای آقا میرزا محمدخان وکیل - (اجازه)
 آقا میرزا محمدخان وکیل - عریضی را که بنده باید بکنم اغلب آن را آقای مدرس فرمودند لیکن یکی دو موضوع را فراموش فرمودم .
 آنروز آقای فرزین معاون محترم وزارت مالیه اظهار کردند که ممکن است یک نفر چهارپارچه یا رچه ملک داشته باشد و یک چهارپارچه از این حاصلش خوب باشد و یک پارچه اش بد باشد و مؤدی مالیاتی بد باشد و سایر املاک آن جنسش خوب باشد و اگر چنانچه او را با اختیار خودش بگذاریم ممکن است آن مؤدی بخواهد تمام مالیات ده پارچه املاک را از آن قطعه ملکی که جنسش بد است بپردازد .
 ولی این اشکال وارد نیست زیرا از تمام نقاط ایران آقای فرزین خودشان اطلاع دارند و میدانند و ممکن است تعقیب هم بفرمایند در هیچ نقطه نیست که مأمور مالیاتی نباشد در یک دهی اگر دو نفر نباشد مسلک یک نفر خواهد بود .
 اگر آن مأمور مالیه طرف اعتماد دولت است که اطلاع می دهد که این عمل را در فلان ده نموده اند و اگر طرف اعتماد دولت نیست دولت باید آنرا عوض کند و یک نفر مأموری بفرستد که جنس مالیاتی ملک دیگری قبول نکند .
 باین معنی در هر ملکی که جنسش خوب است جنس خوب بگیرد و هر کجا وسط است جنس وسط بگیرد و هر کجا بد است جنس بد بگیرد .
 باین ایرادی که آقای فرزین فرمودند بنده نمی توانم موافقت کنم و بنده باینش - نهاد آقای آقا میرزا شهاب کاملاً موافق و حقیقتاً هیچ انصاف و عدل نیست که یک نفری را مجبور کنیم و بگوئیم که جنس تو بد است سیاه است یا تلخه دار است این را ما نمی خواهیم و برواز جای دیگر جنس خوب بفرمایند و بیاورند .
 حالا ملاحظه بفرمائید اغلب جاهای ایران اسامیل سن زده است مثل خوار و ورامین و جاهای دیگر - حالا میشود مأمور مالیه استتکاف کند در گرفتن این اجناس سن زده ؟
 خوب اگر مأمور مالیه استتکاف کرد از گرفتن این جنس آنوقت آن مودی

مالیات باید برود از همدان یا عراق یا صد فرسخ راه گندم بخرد و بیاورد بدولت بدهد یا اینکه بیل مأمور مالیه برقرار کند و قیمت جنس را دو برابر بدهد !!
 بنده تصور نمیکنم که دولت این قدر بخواهد فشار بر مردم وارد آورد و حالا هم پیشنهاد دیگری را آقای حاج میرزا زاده بشکل ماده در آورده اند بطوریکه بنده هیچ چیز از آن نمی فهمم .
 ممکن است خودشان یک توضیحی بدهند که بنده بفهمم - فقط بجای آن پیش نهاد نوشته اند که مودی مالیاتی تا ۳ خروار چشرا ۱۱۱ مسرأ بشرح عادلانه بدهد .
 بنده چیز دیگری از این نمی فهمم چیزی که بظاهر می رسد این است که از طرف دولت مخصوصاً می بینم یک مقاومت مائی می شود و حقیقت نفس الامر را هم که ملاحظه میکنم می بینم اشکالی وارد نمی شود .
 ولی یک مقاومت هائی می شود که اسباب تعویق گذشتن این قانون می شود و این قانون هر سه ماه یک مرتبه می آید بپجلس و مجدداً می رود بکمیسیون و باز بر نمی گردد بپجلس .
 الان دودوره است که بنده در این مجلس هستم دوره چهارم دوره پنجم و می بینم که این قانون هم می آید بپجلس و باز بر نمیگردد بپجلس و این قانون هم حالا باز هم تصور میکنم پس از مدتی مذاکره سرگردان به کمیسیون و بالاخره شاید نتیجه هم نداشته باشد و آخر دوره هم بیاید و آخر آن را این قانون نگذشته باشد .
 مغیر - آقای نماینده محترم نظرشان بهمان ماده ایست که پیش مطرح بود و هیچ توجه فرمودند که عریضی که بنده عرض کردم راجع باین ماده ایست که از کمیسیون بیرون آمده .
 بعضی از مسائل است که مربوط به نظام نامه و معامله ایست که مأمورین مالیه و تحصیل داران میکنند که مثلاً جنس اگر خاک داشته باشد باید صدی ۵ برای پاک کردن آن منظور دارند یا اینکه برودنی پاک کنند و تعویب بدهند .
 باینکه مواد مختلفه را تا چه حد باید منظور دارند اینها یک چیزهائی است که مربوط به نظامنامه ایست که برای انبار باید نوشته شود در آنجا یک مطالبه ایست که بضرر مردم تمام نشود قلاً این نظامنامه انبار نیست و آن ماده هم که نسبت اوش مربوط به نظام نامه انبار بود آن را برداشتنند .
 فعلاً این ماده مطرح است که بنده برای توجه آقای فرات میکنم : نوشته مؤدی مالیات حق خواهد داشت که جنس بدی خود را تا ۲ خروار در موقع برداشت محصول بشرح عادلانه همان بلوک

مسرأ بپردازد - می فرمایند حق نداشته باشد باینکه تمام را جنس بدهد .
 می فرمایند بیشتر حق داشته باشد پیشنهاد بفرمائید بکمیسیون در این رایزنی که از کمیسیون آمده است بپجلس بقیده بنده یک از آقای شده است نسبت به مالکین که مالکین تا ۲ خروار جنس بدی خودشان را حق دارند تسعیر کنند بشرح متوسط همان بلوک و پولش را بدهند و اگر آقایان باین قسمت مخالفت دارند بفرمائید و اگر نظر دیگری دارند پیشنهاد بفرمائید بیاید بکمیسیون .
کازرونی - اجازه من فرمائید
نایب رئیس - مخالفتی؟
کازرونی - بلی .
نایب رئیس - بفرمائید
کازرونی - همانطوریکه گفته شد خوراک اغلب و اکثر اهالی این مملکت جو است و گندم است و شلتوک قبول داریم . لیکن یک جنسهای دیگری هست که آقایان هیچ در نظر نمی گیرند .
 خرما در یک قسمت اعظم از مملکت فووت اغلب مردم است که آقایان هیچ آنرا در نظر نمی گیرند و همانطوریکه اهالی جنوب ایران از جمله فراموش شده اند ما هم مثل خودشان فراموش شده است خرما قوت اغلب مردم جنوبی ایران است از خوزستان گرفته تا برودیه نقاط بلوچستان و شاید صد فرسخ راه طولش است و به نظر آقایان هیچ اهمیت ندارد .
 بنده نمایان است که مگر با هم جنس داده شود ولی باین معنی که در قانون میشود بنده مخالفم .
 هیچ فلسفه برایش نمی بینم . فلسفه اینکه شما گفتید که عین جنس بدهد چه بود ؟
 فلسفه اش این بود که شاید مودی مالیات بول نداشته باشد اگر میخواهد این فلسفه را تأیید کنید میگویم خرما را چرا فراموش کرده اید ؟
 اگر میگوئید گرفتن عین جنس برای دولت مردم مضرت و نقدی بهتر است پس چرا شو شلتوک و گندم را میگوئید عین جنس بدهند شما گمان میکنید خرما در مقابل جو و گندم و شلتوک اهمیت ندارد ؟ بنده عرض میکنم پس شما هیچ جا نرفته اید و هیچ چیز ندیده اید .
 خرما همیشه در مقابل اینها بدمان گندم بیشتر از همه است مخصوصاً قسمت خوزستان میناب عباسی دشتی و آستانالی آخر بلوچستان .
 از این مردم بطوریکه سابقه دارد دولت خرما عوض مالیات میگرفته حالا بنده عرض میکنم در نظر بگیرد که اگر بنا باشد کافی نیست .

کازرونی - بسیار خوب پس بقیه عرضم طلبم .
 نایب رئیس - بسیار خوب (چند دقیقه تنفس داده میشود)
 در این موقع جلسه برای تنش تعطیل ویس از نیساعت مجدداً تشکیل گردید)
 نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - اگر چه بنده رشته صحبت از از دستم بیرون رفت و نمیدانم این عرضی که میکنم متصل بآن عرض سابقم میشود یا خیر؟ ولی ای حال بنده عقیده خودم را طور که آقای مدرس اظهار داشته اند اختیار بمالک و مودی مالیات داده شود که اگر خواسته باشد جنس را مسعیر کند و اگر نخواهد عین جنس را بپردازد و در آن قسمت هم همانطور که عرض کردم عقیده دارم که خرما هم باید ضمیمه شود بگندم جو و شلتوک زیرا که خرما هم قوت اغلب مردم است .
 از همین نظر بوده است که شارع مقدس ز کوفه بر آن قرار داده است و دیگر اینکه کمیسیون گویا بنا توافق نظر نماینده وزارت مالیه همچو در نظر گرفته است که این مسئله را مسکوت عنه بگذارند و پیشنهادی از طرف آقای آقا میرزا شهاب در جلسه گذشته شد که تکلیفی از برای مأمورین مالیه صراحتاً معین کرد مالک صبر کند تا دولت فروشد و نود و هفت خروار جنس خودش را احتکار میکند و این سه خروار و نیم را مقابل نود و هفت خروار جنس خودش را احتکار بکند و بقیه را بکند و بقیه را بکند و بقیه را بکند .
 یعنی احوالش بدهند بقدرت مأمورین مالیه و آنوقت ممکن است در ضمن نظامنامه که نوشته میشود که فرغ زائد بر اصل است آنجا یک تکالیف فوق العاده ذکر شود و در آنجا یک چیزهائی بنویسند که منجر باسباب زحمت و مشقت از برای مردم بشود .
 در هر صورت اگر این مقصود را نداشته اند علت اینکه ذکرش نکرده توضیح نداده اند چه بوده آنچه اینک پیشنهاد شد و مجلس رای داد آقایان گفتند مسکوت عنه باشد چیست ؟
 اگر واقعاً مقصود همین بود که چرا ذکرش نکرده اند و اگر غیر مقصود غیر از این بوده که ما آن مقصودی را که غیر از این باشد نمی خواهیم در موقع اجرا بیاید .
 (جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کانی است و بعضی کانی نمی دانستند)
 نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست باید مذاکره شود مغیر - اصلاً بعضی قضایا را میآیم بهترش کنیم بدتر میشود . ما وضعیت

مالیه مملکت را در نظر می گیریم می بینم بد است .
 املاک صد سال پنجاه سال پیش میبزی شده و یک عایداتی متناسب با آبادی آن روز پیش بینی کرده اند و مالیاتی بر طبق آن وضع نموده اند حالا از دهاتی که خراب شده آن جزو جمع ها را مطالبه میکنند و دهاتی که آباد شده مالیه اگر بخواهد چیزی مطالبه بکند حاضر نیستند بدهند و حالت مالیات از ضعیف مملکت خیلی بد است و این لایحه ایست که در دوره چهارم همه و کلاهی باین ملاحظه مند بودند و در این دوره هم همه ماها علاقمند هستیم .
 بهین نظر هم بود که حتی این را بتوان طرح قانونی بپجلس آوردیم و بعد دولت لایحه اش را آورد ولی اینده خودمان این طرح را داریم و بدیهی است که اگر فرصت داشتیم یک چیز خیلی خوبی می نوشتیم که تمام نظامنامه هائی هم که باید وزارت مالیه داشته باشد بصورت قانونی در بیاوریم و حدود مأمورین مالیه و مودی مالیات را معین و روشن می کرد خیلی بهتر بود .
 البته این هیچ تردیدی درش نیست ولی ملاحظه بفرمائید بآخر عمر طبعی مجلس دوماء دیگر بیشتر نیست و آنچه که در جرایم می بینم و کلاهی مجلس مؤسسان هم اغلب از همین آقایان هستند و ممکن است بیست روز دیگر ده روز دیگر هم مجلس مؤسسان تشکیل بشود و معتدل است در نتیجه اینجا تعطیل بشود .
 بعضی از نمایندگان - نمی شود شیروانی - اوقاتش را تغییر میدهم شوشتری - ما معالجه نیست حائری زاده - حالا بنده در این موضوع صحبت نمی کنم در هر صورت از عرض مجلس چیزی باقی نمانده و یک عده لوابیح زیادی هم در دستور داریم منجمه بود چه های مملکتی است که حاضر است و لوابیح دیگری هم هست که دولت فشار میآورد که هر چه زودتر بگذرد و البته حق هم دارد .
 زیرا بلا تکلیف است و این لایحه را هم مامی درش حرف میزنیم و پیش نهاد میدهم و هی ارجاع میشود بکمیسیون و معطلش میکنیم نالینکه عقبت از این مجلس نمی گذرد و بهمان حالت بلا تکلیفی باقی میماند و شاید بعد متأسف شدیم که چرا این لایحه را ننگراندیم و باین حالت بلا تکلیفی خانه ندادیم .
 یک جمله دیگر هم عرض میکنم و آن این است که ما نباید کاسه از آتش گرمتر باشیم مالکین عده چند نفرشان در این مجلس هستند که یکی دو نفر آنها هم در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند و خودشان این طرح را می پسندند ما که دیگر نباید کاسه از آتش گرم تر باشیم

بلاوه ما آمدیم تا سه خروار اجازه دادیم بمالکین که تسعیر بکنند یعنی اگر منفعتشان در تسعیر است تسعیر بکنند و اگر خیر منفعتشان در دادن عین جنس است عین جنس را بپردازند این راجع بدهد ایست که اکثریت مالکین این مملکت را تشکیل میدهند .
 فقط پنجاه نفر یا صد نفر یا دویست نفر هستند که مالیات جنس آنها پیش از سه خروار است و این اشخاص هم در مجلس نماینده دارند و دوسه نفرشان در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند و خودشان اینها راجع را تسعیر می کنند مادامیکه راجع از آتش گرمتر باشیم ما با آنها صحبت کرده ایم می بینم آنها حاضرند باین ترتیب در این صورت ما دیگر چرا باید بیاییم اینجا حرف بزنیم و نمایش بدهیم اینجا که جای نمایش نیست اینجا باید حقوق را بگوئیم و وسائل آسایش مردم را فراهم کنیم دولت معتقد است که اگر در این کار اختیار بدهند به مالکین که هر چه خواسته باشند جنس خود را تسعیر بکنند آنوقت اصل احتکار در این مملکت جاری میشود و دولت نمیتواند از آن طهران و جاهای دیگر را تأمین بکند این نظری است که دولت دارد و ما اگر ملاحظه هستیم که حقیقتاً این قانون بگذرد باید یک قدری بیشتر سماحه کنیم و تسهیلاتی برای گذراندنش فراهم نماییم .
 نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - یک جمله آقای مغیر فرمودند که بنده در همان موقع هم تصدیق کردم و آن اینست که فرمودند ما یک کاری را میآیم بهتر کنیم بدتر میشود و آن همین ماده است و حالا بنده دلالت راجع میکنم اگر چه آقای مدرس کاملاً در این باب توضیح فرمودند و مقصود را تشریح کردند .
 ولی از آنجا که این فکر در کمیسیون و مجلس پیدا شده که هر قدر هم قانون بد باشد ولی بگذرد بهتر است بنده لازم میدانم چند کلمه عرض کنم بنده کاملاً مخالفم باین ترتیب برای این که معنی ندارد یک کار بدی را بگذاریم این لایحه را ننگراندیم و باین حالت بلا تکلیفی خانه ندادیم .
 یک جمله دیگر هم عرض میکنم و آن این است که ما نباید کاسه از آتش گرمتر باشیم مالکین عده چند نفرشان در این مجلس هستند که یکی دو نفر آنها هم در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند و خودشان این طرح را می پسندند ما که دیگر نباید کاسه از آتش گرم تر باشیم

تصدیق داریم باشک و ضمیمت هم خوب نیست .
 ولی حالا بیاییم یک مملکت را اصول مالیات گیرش را هم بزنیم و یک طرز جدیدی ایجاد کنیم و آنوقت خودمان هم بگوئیم با اینکه بد است ولی باز بگذاریم بهتر است این معنی ندارد (در این موقع آقای مغیر از مجلس خارج میشدند) و بنده خیلی میل داشتم که آقای مغیر هم تشریف ببرند مغیر - الان شرفیاب میشوم شیروانی - بنده البته یقین دارم قوانینی را که کمیسیونها بادولت مینویسند نظر بدی ندارند و میل ندارند که حتماً یک نظر سه فری اعمال نمایند ولی متأسفانه اغلب لوابیح که مخصوصاً در این اواخر بنده در همان وقت دوستی نمیشود و همین فکر عجیبی که مثل ابوس کاری شده که چون چیزی بآخر دوره مجلس باقی نماند بگذارید هر چه زود تر این لوابیح بنده این فکر را خیلی بد می دانم برای اینکه عمر مملکت هنوز تمام نشده البته انتباهات هم شروع میشود و شاید بعد هم یک عناصری اینجا بیایند که خیلی بهتر از همه و جابجایی قانون بنویسند چرا ما یک قانون بدی بگذاریم و یک یادگار بدی هم از خودمان بگذاریم بنده معتقدم که چیز بد از مجلس دهشت شوری بگذرد و این منتهای راقاضا میکنم عوض کنند خیر ماحتی العقور سعی میکنیم ولجاجت و احتیاج راهم کنار میگذاریم تا یک چیز خوبی بگذراندیم همانطور هم که فرمودید نه بنده یک ملک زیادی دارم و نه جنابمالی و نه آقای مدرس ولی عده ممکن است بگویند چیز بد بگذرد خوبست یک عده دیگر ممکن است عقیده داشته باشند که خیر چیز خوب بگذرد بهتر است و بالاخره قانون شامل تمام مملکت میشود اعم از همه مالک یا حورده مالک فرق نمی کند .
 در اینجا رسه نکته اظهار شد که لازم است داده شود . یکی راجع باحتکار بود که این حرف را می اندازند نوی دست و پا میگویند اگر اینطور شود اصل احکار اجرا میشود و اسباب زحمت است بنده عرض میکنم اولاً زارع و آن کسیکه از ملک خودش محصولی جمع آوری میکند و انبار میکند بنده آنرا معتقد نمیدانم این احتیاج است و باید دفع شود مالک وقتی جنس خودش را در انبارش جمع کرد و مالیاتش را پرداخته معتقد نیست معتقد کسی است که یک اجناسی را از یک معنی جمع آوری بکند و جلوی فروشش را بگیرد و اسباب شود برای اینکه قیمت جنس ترقی بکند همچو شخصی معتقد است اهم از اینکه دولت باشد یا مردم باشد

یا مردم داشته بدست زیرا از زان همومی را ترغیب میدهد .
 حالا اگر این کار را دولت کرد خوب و مشروع میشود خیر دولت هم این کار را بکنند بدست در هر صورت احتکار بدست چه دولت بکند وجه کسی دیگر .
 با این ترتیب جلوی احتکار رانی شود گرفت موضوع اشتباه نشود . شا پانویس و تصویب . قانون میزبانی خواهد جلوی احتکار را بگیرد ؟ این اصل غلط است . شا فردا یک قانونی بنویسد .
 نایب رئیس - آقا عده برای این کار کفایتی نیست .
 بعضی از نمایندگان - پس جلسه ختم شود .
 نایب رئیس - همان جلسه ختم میشود جلسه آتی سه شنبه دستور هم قانون میزبانی (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد) نایب رئیس مجلس شورای ملی - طباطبائی منشی م. شهاب علی خطیبی

جلسه ۲۴۱
صورت مشروح مجلس سه شنبه سوم آذر ماه
نظاره و تصدیق و چهار مطابق هفتم جمادی الاولی
هزار و سیصد و چهل و چهار
 مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برای است آقای تدین تشکیل گردید .
 (سورت مجلس یکشنبه اول آذرمار را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند) .
 رئیس - آقای سهرابزاده (اجازه)
 سهرابزاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم
 رئیس - آقای روحی (اجازه)
 روحی - نوبت از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع
 حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای اجاق (اجازه)
 آقا سید حسن اجاق - قبل از دستور رئیس - آقای سلطان آقا سید محمد سلطان - بنده قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای امامی - در دستور عرض دارم
 رئیس - آقای آقامیرزا محمد خان و کیلی (اجازه)

آقامیرزا محمد خان و کیلی - اینجا آقای فرج اله خان آصف را غائبی اجازه نوشته اند در صورتی که یک هفته است بستری هستند و یک کیسیون هم نوشته اند و آقای ملک هم شاید اطلاع داشته باشند لذا خوب است آقای معبر کیسیون اظهار بفرمایند که جزو غائبین با اجازه نوشته شود رئیس - مع ذلك باید رسماً اجازه بخواهند .
 آقای میرزا محمد خان و کیلی - اجازه خواسته اند
 حاج حسن آقا ملک - در کیسیون هم تصویب شده
 رئیس - اصلاح می شود . آقای هابیم .
 نایب رئیس - همان جلسه ختم میشود (اجازه)
 هابیم - بنده بواسطه عارضه کسالت در جلسه قبل تحصیل اجازه کرده بودم عرضیه هم بتمام ریاست عرض کردم ولی بنده را جزوی اجازه ها نوشته اند استعفا می کنم اصلاح بفرمایند
 رئیس - اصلاح خواهد شد . آقای عدل .
 (اجازه)
 آقا میرزا یوسف خان عدل - بنده را دیر آمده بی اجازه نوشته اند بنده عرضیه عرض کردم و اجازه خواستم که بواسطه مریضی داری یک ساعت اجازه بدهند و نیم ساعت تأخیر شد بی اجازه نبودم .
 رئیس - اصلاح می شود . آقای دیبا .
 (اجازه)
 طباطبائی دیبا - در جلسه گذشت انتخاب کیسیونها جزو دستور بود شروع هم شد نتیجه را در صورت مجلس نوشته اند
 رئیس - اضافه میشود . آقای افر - (اجازه)
 افر - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - نسبت به سورت مجلس اعتراضی نیست ؟
 (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 آقای سهرابزاده (اجازه)
 سهرابزاده - چون در این چند جلسه قانون میزبانی مطرح است وظیفه هر یک از افراد ملت این است که عیوباتی اگر در این قانون می بینند و بحال رعایا و زراعت فعلی اطلاعی دارند در این موقع بدولت تذکر بدهند بنده هم نظر بوظیفه که دارم بکسی از مهم ترین عیوباتی که در حال زراعت بنظرم میرسد و از روی مدبرانه می توانم ثابت کنم مرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم که از طرف مجلس شورای ملی بدولت و وزارت مالیه تذکره داده شود

سابقاً رودخانه جاجرود يك عوارضی داشت که فقط برای تنظیمات تقسیم آب بود که برای سبقت جستن دعات و رعایا با هم دیگر نزاع نکنند و عبارت بود از يك مباشر و چند سوار سالی سه چهار هزار تومان اخذ میشد
 مسیو مرزاد وقتی آمد و رئیس خالصه شد برای اینکه از دیاد عایداتی در نظر گرفته باشد و نمایان بشود بنده با نظر نامه نوشت که فعلاً چاپ شده و آن در دست بنده است طریقه آب فروشی را حقیقتاً منظور نظر قرارداد و يك اصلی اتخاذ کرد که هیچ رعیتی و مالکی نمیتواند از همدیگر این قیمت آب ببرد .
 بالاخره رفته رفته زراعت را کنار گذاشتند .
 مثلاً نوشته شده است که حق آبه يك نهر آب در بیست و چهار ساعت پنجاه تومان در صورتی که اگر پنجاه تومان بکعبه یا زارع بدهد بنا آن آب پنجاه من بذر می تواند بکارد و باید دو برابر عایدات خودش قیمت آب بدهد .
 این است که نیکوکاران و مکرر خود من دیدم که یک شب اگر باران می آید و رودخانه زیاد میشد همیشه هر روز میدانند برای اینکه برعکس پنجاه تومان بفرشند و رعایا هم نمی خریدند و آب هرگز میرفت .
 و آن موقع که مسیور اردابین را نوشت چندان هیبتی نداشت زیرا که اگر دولت بر قیمت آب میافزود رعیت هم آزاد بود و بر قیمت جنش میافزود .
 او میگفت آب پنجاه تومان این میگفت جنس صد تومان ولی دو سه سال است که دولت در امر ارزاق کنترل دارد و در تحت نظر دولت اداره میشود و از اوراق بفرشند میرسد آنوقت چگونه رعیت میتواند پنجاه تومان برای يك نهر آب بدهد و رفته رفته طوری شده که هر حال میگویند بلوک اطراف تهران چیزی ندارند
 ورامین که باید چندین هزار خروار جنس باین شهر بدهد ندارد یکی از علل بزرگ اینک رعیت حاصل نمیکارد بعمده بنده همین است .
 دیگر اینکه در یکماده می نویسد از دهم مقرب حق آبه دعات اربابی داده می شود .
 خوب سنبله و میزان را رعیت چه کند؟ فئات که ندارد هفتاد روز باید کاو و بذر و رعیت بیکار توی آفتاب بنشینند که حق آبه دعات از برای از دهم مقرب شروع می شود نایبم جوزا ؟
 خوب از جوزا بیدمرا چه کند آنوقت ماده بعد می نویسد اگر در دشتستان خواست صیفی بکار دهم پول آب بدهم مالیات آب و هم آب را خریداری کند هر چه عایدی بود نصف کند .
 باین ترتیب هر زارعی لازم است

ناپستان پرویدی گردش دست از زراعت بردارد عیوبت دیگری هم دارد که بنده نمی خواهم وقت آقایان محترم را اغال کنم .
 همین قدر خوب است در این منع که قانون میزبانی مطرح است و عوموم حتی افراد ملت میدانند این مالیاتی که فعلاً دریافت میشود کمر شکن است روی عدالت نیست .
 خوب است وزارت مالیه هم عیوبت خودش بی بردارم ماده بنده این را ببرد اصلاح کند .
 این تذکر را بنده امروز دارم اگر وزارت مالیه در نظر گرفت و رفع این آله را کرد و خواست که ارزاق طهران آلوده شود نه با اگر نشد البته متوسل خواهم شد به آقایان نمایندگان عظام و خواستار خواهم شد که باینده همراهی کنند و این وضع ناگوار را حقیقتاً از راعایا بردارند
رئیس - آقای روحی (اجازه)
روحی - بنده میخواهم عرض کنم آقایان مخصوصاً اعضاء کیسیون نواند عامه را متذکر کنم که کمیاتی هوایی بی یونکرس آقایان میدانند آنها است آله و خسارت برده است زحمت کشیده است تا با احترام قول دولت چندین آردوین بزرگ از آلمان تهیه دیده است شاید آردوینها همانی که جای دوازده نفر را داشت .
 بنده نمی خواهم اهمیت هوایی را برای آقایان شرح دهم خاصه در مملکت ما که فاقد همه نوع وسایل تولید هستیم از مدتها يك کمیاتی برای ما سرسبب هوایی دانه کرده است آنهم که مبلغ کم و صلاح نیست این موضوع هر کیسیون همین طور مسکوت بماند و يك کمیاتی هم خسارت ها و زحمت هائی بکشد و بالاخره نتیجه نبرد .
 بنده میخواهم از آقایان استعفا کنم که هر چه زودتر در کیسیون این قضیه را حل کنند یا اگر حاضر است اجازه بدهند بنده تقاضا کنم بعد از قانون میزبانی جزو دستور شود و اگر حاضر نیست حاضر کننده که زودتر تکلیفش معلوم شود والا این ترتیب موجب یاس دیگران خواهد شد که نخواهند بیایند در مملکت ما يك کارهائی بکنند و وسائل راحتی زندگانی ما درست کنند .
 البته آقایان لطف میکنند مخصوصاً از آقایان اعضاء کیسیون تقاضا میکنم که باین موضوع هر چه زودتر خاتمه بدهند و اگر حاضر است اجازه بدهند بنده تقاضا کنم جزو دستور شود
رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع (اجازه)
حاج آقا رضا رفیع - در این ماههای

اخیر يك شیر هائی انفرادی از کیلان میرسد راجع به مالیات سیکار و چون جزئی بود بر عرض مجلس نمی رسانم خودم شخصاً اقداماتی برای رفع ظلم از آنها می کردم .
 اخیراً يك کافه رسیده است با مضامین با نصد شش نفر از ملاحین وزارتین که بر عرض مجلس میرسانم شرحی هم بدولت عرض کرده اند و استعفا دارند برای اینکه مالیات دولت از این نژود و این هم اساساً بر آنکه نشوند و بیچاره میشوند و برهه فقرا افزوده نشود . يك کیسیون در رشت تشکیل شود از روسای ادارات که ببینند حرف آنها چیست .
 اگر حقیقه راست میگویند با آنها مساعدت کنند و اگر خلاف میگویند به آنها جواب داده شود .
جمعی از نمایندگان - دستور .
رئیس - آقای آقا سید احمد خان اعتبار بواسطه قبول شغل دولت از نمایندگی مجلس شورای ملی کنیا استعفا داده اند استعفا نامه ایشان بر عرض مجلس میرسد .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 مقام منبع ریاست جایزه مجلس مقدس شورای ملی دامت شو کته
 چون در اداره فلکراف قبول شغل دولتی نمودم بنابرین از نمایندگی مجلس مقدس شورای ملی استعفا خودم را از تاریخ اول آذر تقدیم می دارم .
رئیس - آقای انور راجع باین قیمت است ؟
انور - بله خواستم تذکر بدهم که بقانون انتخابات مراجعه شود چون ۳ ماه به آخر دوره بیشتر نمانده و ایشان استعفا داده اند باید عوض ایشان انتخاب شود .
رئیس - آقای شیرانی (اجازه)
شیرانی - بنده این طور در نظر دارم که اگر مطابق نظامنامه داخلی مجلس بخواهم عمل کنم هر نماینده قبول يك شغلی را کرد قهرأ مستعفی است و استعفا ایشان بعد از اینکه مستعفی بوده اند گمان نمی کنم چندان موردی داشته باشد و سایر آقایانی هم که شغل دولتی دارند بنده آن ها را از وکالت مجلس رسماً مستعفی میدانم .
رئیس - در این موضوع هیئت رئیسه هم تصمیعی اتخاذ کرده است و بناسات به عرض آقایان برسد آن هم موافق است با همین انکاری که آقایان اتخاذ کرده اند يك موضوع دیگر هست که لازم میدانم برای يك مرتبه دیگر تذکرأ عرض کنم و آن انتخاب کسری کیسیونها و انتخاب کیسیون نظام است .
 البته آقایان تصدیق می فرمایند که انتخاب این کیسیون از وظایف داخلی مجلس

است و بر طبق ماده یازدهم نظامنامه داخلی مقارن انتخاب هیئت رئیسه دایمی باید کیسیونها انتخاب شود تا بحال کسری کیسیونها و اعضاء کیسیون نظام انتخابش بتعمیق افتاد .
 تمنا میکنم برای يك مرتبه دیگر چون از وظایف مجلس است اهتمام بفرمایند که این کسریها زودتر انتخاب شود و لوایح زیادی مانده است و بهین وسیله شاید تولید مشکلاتی برای کیسیونها بشود و در جلسه گذشته هم شروع باین امر شده است چون عده از آقایانی که رأی داده اند اصولاً کافی نبوده است شصت و چند نفر بیشتر رأی نداده اند و اکثریت نبوده عمل پریر و زمنا اثر نیست .
 بنابرین باید آقایان از سر شروع کنند برای دادن آقای امامی .
(اجازه)
آقامیرزا جوان خان امامی - چند روز قبل بنده پیشنهاد کردم طرح قانونی راجع بطبع فرهنگ آزاد جزو دستور شود چون حاضر نبود بنده بعد از تنفس جزو دستور شود .
 حالا از قرار معلوم راپرت آن از کیسیون جدیدم گذشته و تقدیم مقام ریاست شده و چون دوسه دقیقه بیشتر کار ندارد .
 استعفا میکنم آن را جزو دستور قرار دهند تا تکلیف آن معلوم شود .
رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
دستغیب - عرضی ندارم .
بعضی از نمایندگان - دستور .
رئیس - راجع بدستور است . آقای ضیاء .
(اجازه)
ضیاء - بنده واقفم با اینکه خبر کیسیون مبتکرات راجع به فرهنگ آزاد جزو دستور شد ولی
رئیس - اگر موافقت نباید صحبت کنید .
ضیاء - ولی يك طرح دیگری هم راجع بطبع کتاب
(صدای زنگ)
رئیس - مخلوط نکنید
ضیاء - مخلوط نیست راجع یکی است
رئیس - نسبت ببسته آقای امامی مخالفی نیست ؟
مر تفضی قلی خان بیات - بنده مخالفم .
رئیس - بفرمایند
بیات - چون قانون میزبانی مهم است و یکی دو جلسه هم جزو دستور بوده لذا بنده عقیده دارم آن تمام شود آنوقت این را مطرح کنیم .
بعضی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای امامی آقایانی که با این پیشنهاد موافقت نمی فرمایند .
 (عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قبول نشد راپرت اخیر کیسیون قوانین مالیه راجع ماده دوم قرائت میشود .
 (بعضیون ذیل قرائت شد)
 کیسیون قوانین مالیه ماده دوم قانون مالیات املاک از برای و دو اب را شرح ذیل تصویب نموده راپرت آن را به مقام مقدس مجلس شورای ملی تقدیم می دارم و در مالیات حق خواهد داشت که جنس بهی خود سه خروار در موقع برداشت محصول پنرخ متوسط همان بلوک مسرا بپردازد .
 تبصره - مقصود از مالیات جنسی گندم و جو و شلتوک است . ماده سوم عین ماده - جنس نمره (ه) کیسیون سابق تصویب شد .
حائری زاده مخبر کیسیون قوانین مالیه - در تعقیب پیشنهاد هائی که در جلسه سابق شد کیسیون در روز تشکیل شد از آقایانی که نظر هائی در ماده دوم داشتند غیر از آقای مدرس هیچکدام تشریف نیاوردند .
 آقای مشیرالدوله هم دعوت شدند اظهاراتی فرمودند و تشریف بردند ولی بالاخره از ۳ ساعت بظهور مانده تا ظهر توافق نظر بین دولت و آقای مدرس و اعضاء کیسیون راجع باین پیشنهاد حاصل شد .
 دولت اظهار میگرد که اگر خواسته باشیم جنس را تسعیر کنیم در تمام مملکت فعلاً نمی توانیم موافقت کنیم باید يك اطلاعاتی تحصیل کنیم و مطالبات بشود بعد راپرت بدهیم بمجلس .
 از این جهت کیسیون منعقد است که همان راپرت سابق را که دولت هم توافق نظر داشته تعقیب کنیم . يك قدم رو باصلاح برداریم بهتر از این است که متوقف بمانیم .
رئیس - کدام راپورت را می - فرمایند ؟
مخبر - همین راپورت که قرائت شد .
رئیس - اگر مجلس موافق است آقایان نظار تشریف ببرند و شروع بانقلاب کسری اعضاء کیسیونها شود .
آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم .
آقا سید یعقوب - بفرمایند
 در این استقراغ استخراج شده و بنده چون ما می رویم اینجا آقایان نمی آیند . بیاید برای بدهید حفظاً نظامات مجلس را بکنید ما که تقصیر نداریم .
رئیس - بفرمایند
(آقایان آقا سید یعقوب و آزادی

خارج انتخاب کیسیونها شروع شد)
رئیس - آقای شیرانی (اجازه)
شیرانی - بنده برای اینکه بعضی آقایان اصرار دارند بمجلسه این قانون بکنند عرض خودم را هم تمهید کرده ام هم مختصر است و استعفا میکنم آقای معبر محترم هم توجه بفرمایند که این دو کلمه عرضی را که میکنم بلکه توافق نظری بین کیسیون و دولت و مخالفین این لایحه حاصل بشود همان طور که عرض کردم چند دقیقه نظر را باید در این قانون رعایت کرد .
 اول موضوع احتکار بود که آقایان می گفتند دولت باید جنس دار باشد تا آنکه جلو گیری از احتکار بشود این را بنده پروریز هم عرض کردم که مشته احتکار يك قانونی لازم دارد .
 اگر چه قانون مذهبی ما است که لایحه الاجراست لیکن برای جنبه عرق آن هم باید قانونی وضع شود در هر صورت بوسیله قانون میزبانی جلو گیری از احتکار نمیشود و گردان يك مسئله .
 موضوع دیگر اینکه مخالفین نمی گویند در بعضی محلها ولایتی جنس در آنجا خیلی زیاد باشد و بشود دولت مالیات جنس بگیرد و ضمیمت آن محل طوری است که رعیت و مالک خودش محتاج بجنس است .
 اینجا نمی شود مودی را مجبور کرد که حتما مالیات جنسی بدهد و در بعضی جاهام معکوس است .
 در این قضیه بنده البته به آن پروریزی نیستم که بگویم حتماً اختیار را در دست مالک بگذاریم .
 ولی اختیار را در دست دولت هم نمیشود گذاشت آنهم اختیار استکفاف از قبول جنس مطابق آن راپرت کیسیون که آقای معبر آن را جزو دستور کردند رعیت این راپورت را بنده عرض کردم و يك پیشنهادی هم کردم و آقای معبر هم در خارج موافقت کردند .
 چون نسبت به خروار جنس مالیاتی تعیین تکلیف شده است مازاد از ۳ خروار تکلیف معین نشد .
 در این ماده نوشته شده که مودی نمی تواند ۳ خروار را تسعیر کند ولی مازاد از ۳ خروار را چه کند ؟ مسکوت است یعنی اختیار بسادولت است در هر جا دولت صلاح بداند تسعیر میکند و در هر جا صلاح نداند تسعیر نمیکند .
 بنده یکی از مسائلی که سال گذشته که در کیلان رفته بچشم خود دیدم عرض میکنم .

در آنجا دولت يك انبار مفصل مشروحي تاسيس کرده که تقريباً شايد ۲۰ ميليون مائيت هائي را که ميگيرد خرج انبار کند.

آن وقت چون آنجا يك نقطه سر حدی است و حتماً بايد ميزان قيمت اجناس که در آنجا است در دست تجار باشد که تا مبن مسائل اقتصادی ما را بکنند ميزان دست مالیه افتاده است. مالیه هم متأسفانه تاجر نيست.

يك وقت رايش قرار می گيرد يعنی رايش قرار نمی گيرد از مرکز به اوامر ميشود که پول بخواهيم.

در موقعی که داريم جنس صادر می-کنيم، گندم يا برنج صادر ميکنيم بخرارچ مملکت.

مالیه تلگراف می کند آنجا و پول ميخواهد يك مرتبه درب انبار مالیه باز ميشود جنس را که فلان تاجر آن جا خريده است خرواری ده تومان مالیه بفرشد خرواری ۹ تومان چون محتاج پول است يکوقتی می بيند ۱۰ ميليون بازار اقتصادی گيلان خسارت وارد ميشود و اين جور نکات را دولت نمی تواند رعایت کند.

مانی توانيم بدون تکليف کينيم که رعایت بازار های دنيا را هم راجع بجنس بکنند.

ولی نتيجه اين عمل اين است و وقتی انبار دار شده اين معایب پيش می آيد در صورتيکه بعيده بنده صرفه خودش و صرفه مردم در اين است که ماليات را تقديمی بگيرد برای اينکه همیشه در آنجا جنس ترقی دارد چون سرحد است و اگر تسخير کند صرفه بار دولت خواهد بود. معکوس اين هم ممکن است.

در يك کوهستانی يا جانی که پروروز آقای مدرس فرمودند جنس اين ها بقدر فوت لايوتشان است اين جا حاصل خيز نيست.

در آنجا نيشود گفت که جنس خودت را ماليات بده و برو و از يك راه دوری گندم تهيه کن برای خودت بياور پس چه بايد کرد.

بعيده بنده البته بنده هم آنقدر بد بين نيستم بدهه مامورين دولت در بعضی جاهم ممکن است مامورين قابلي داشته باشند.

ولی بطور کلی اگر فرض کنيم يعنی فرض آقای معادن محترم مالیه را با حسن ظن قانون بنويسيم در صورتیکه هيچ جای دنيا معمول نيست قانون را با حسن ظن بنويسند.

حالا فرض ميکنيم مامورين مالیه يك فرض های شخصی ندارند پس اينطور قرار مينديم که در بعضی جاها که صلاح مالیه و صلاح مودی ماليات اين شد که تسخير بکنند. يعنی اصل ناديه ماليات جنسی باشد

صدي ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰

هذه المنة آمدو اقتدار و اختيار نرخ جنس وادد دست خودش گرفت در هيچو سالی چلو مالکين و معتكرين را گرفت پس بنا بر اين حتماً بايد دولت نظر در اوراق داشته باشد و در مقابل مالکين دکان داشته باشد که هر موقعی که مالکين بخواهند گندم را مثلاً از بيست تومان ببرند بچهل تومان دولت متلايست تومان بدهد بيايست و پنج تومان بدهد که اسباب زحمت کليله سا کليلين اين مملکت نباشد و اينکه فرمودند معنی احتکاري اين است که از ديگری بخرود نگاه دارد

معنی احتکار اين نيست معنائش اين است که زيادتر از آنچه محتاج الیه شخصی خودش است نگاه دارد برای گران فروختن اين احتکار است اما اينکه عرض کردم بهترين مواد بعيده بنده اين ماده است علتش اين است که طبقات زارع سه قسم بيشتر نيستند. يك طبقه مالکين عمده هستند بکي مالکين متوسط و يکي هم زارعين جزه که به آنها نيشود نام ولاک گذاشت

زارعين جزه وقتی که ميخواهند ماليات بدهند قطعاً بيش از ديم و يازده من نيست مالکين متوسط هم اگر عابدي ملکشان لااقل صد خروار باشد بيشتر از سه خروار نپهوند چرا؟

بواسطه اينکه موافق صدي ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و

مدرسین - اگر آن را قبول میکنند بکنند. این را هم بنده حرفی ندارم.

رئیس - دو پیشهاد را مخلوطاً میشود مطرح کرد بالاخره اگر باین موافقت با آن نیشود موافقت بکنند.

مدرسین - يك تبصره نوشتیم. به پیشهاد رای بگیرد اگر رد شد آنوقت باین رای بگیرد.

رئیس - بنا بر این پیشهاد آقای مدرس مطرح است آقای عدل مخالفند با پیشهاد آقای مدرس

عدل - مخالف نیستیم يك نكته كری دارم

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده متأسفانه باین پیشهاد مخالفم زیرا اینجا دارد بانبار دولتی حمل میکند و هیچ معلوم نیست که انبار دولت ۶۰ فرسخ است؟ ۲۰ فرسخ است. چند فرسخ است؟

همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

رضوی - چرا نمی گذارید حرف بزنم. پیشهاد آقای مدرس دارد که باید مودی مالیات جنس را حمل بانبار دولت بکند دیگر نوشته که آیا دو فرسخ است ۴ فرسخ است چقدر است علاوه آن تبصره را هم که می خواسته مرقوم فرمایند هنوز مرقوم نرموده اند و این هیچ حرفی بااصل ماده ندارد.

زیرا نوشته دولت در موارد احتیاج می تواند عین گندم را بگیرد در صورتی که دولت در مواردی که احتیاج دارد مثل حالا تمام گندم مردم را هم می تواند بگیرد و دیگر محتاج باین نیست که این جا ذکر شود زیرا هر وقت دولت خودش را مردم را محتاج دید تمام جنس مردم را ضبط میکند و اداره ازران تأسیس میکند از این دو نقطه نظر بنده باین پیشهاد مخالفم.

رئیس - آقای مغیر چه می فرمایند.

مغیر - بنده قبول نمی توانم بکنم.

رئیس - يك مرتبه دیگر قرائت می شود.

مدرسین - تأمل فرمایند این يك پیشهاد دیگر است که عبارتش فقط اختلاف دارد.

رئیس - پیشهاد آقای مدرس تبدیل باین پیشهاد شده است که قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشهاد میکنم بجای ماده دوم نوشته شود:

همه ساله مودی مالیات در وقت ادای مالیات جنسی (چو گندم شلتوک) مغیر است بابت عادل آن بلوک در موقع برداشت معصوم بدهد باین جنس را در همان محل تسلیم دولت نماید.

تبصره هر گاه دولت در ولایت یا ایالتی مقتضیات لازم داشته باشد جنس را باید اختیار بادولت است.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - این پیشهاد بزه اولش درست شد ولی جزء دومش را بنده مخالفم که باختیار دولت گذاشته شود بجهت اینکه بهمان ترتیب اول خوب است ولی اختیار را بادولت گذاشتن اسباب زحمت می شود که دولت در يك ایالتی که سلاح میداند گندم را تهیه کند.

زیرا این در واقع يك اجازه است بدولت داده می شود که هر وقت صلاح دانست تحصیل کند و هر وقت صلاح دید پول بگیرد باین اختیار بنده مخالفم و بهمان ترتیب حق با مالیات دهنده باشد که از اول تکلیف مردم معلوم باشد به تر است

رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مغیر - کمیسیون نمی تواند قبول کند.

رئیس - رای می گیریم. قابل توجه بودن پیشهاد آقای مدرس آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشهاد آقای شبروانی تا بانبار است میشود.

(شرح سابق خوانده شد)

يك نفر از نمایندگان - این همان راپرت کمیسیون است.

رئیس - آقای شبروانی (اجازه)

شبروانی - اینجا ایراد می شود که این عین خیر کمیسیون است در صورتی که این طور نیست خیر کمیسیون تا ۳ خروار تکلیف را معین کرد بیشتر از ۳ خروار را مسکوت گذاشته است ممکن است بعضی مردم مسکوت قانون را بصره خود فرض کنند.

ولی بطور عموم ایهام و مسکوت مانع قانون برای مردم مضرات در ماده قبل مالیات جنسی را اصل قرار دادیم و تا ۳ خروار را برای اشخاص که نمی توانند جنس بدهند یا اینکه در گوهستانها هستند و مالیات جنسی برای آنها اسباب زحمت خواهد بود (و بالاخره رعیت است و بقدر ۳ خروار برای آذوقه خودش لازم دارد) اختیار را با مودی مالیات گذاشتیم برای بیشتر از ۳ خروار باید وضیعت عملی را ملاحظه کرد.

دولت هم با مردم طرفیتی ندارد باین دید در بعضی جا ممکن است بفتح دولت و مالک باشد در بعضی جا ها معکوس است.

یعنی باید عین جنس گرفته شود در حدود طهران ترازی بر زمین دولت حاصل نخواهد شد.

زیرا نه برای دولت نافع می شود نه برای مردم برای دولت نافع نیست زیرا در انبار دولت که می ماند قبضه محدود است و باین و بالا می رود.

در ایاز مودی که می ماند مجبور است با نرخ معین ثابت فروشد.

دولت هم در طهران جنس لازم دارد. این است که در اینجا ترازی حاصل نمی شود ولی در دولت ترازی حاصل میشود. در این صورت بنده پیشهاد کردم که در صورتی که ترازی حاصل شد تبصره بکنند همان جنس را بگیرند.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده معنی ترازی را اینجا نفهمیدم. بجهت اینکه ترازی محتاج بقانون گذشتن و در مجلس مذاکره کردن نیست.

شبروانی - اینطور نیست

رضوی - البته دولت بطور ترازی می تواند بگیرد و مالک هم در صورت ترازی می تواند از دولت یا از دیگری بخرد بنا بر این ترازی معنی ندارد.

رئیس - عقیده آقای مغیر چیست؟

مغیر - چون با پیشهاد سابق کمیسیون منافاتی ندارد قبول میکنم.

بعضی از نمایندگان - يك مرتبه دیگر قرائت شود.

رئیس - يك مرتبه دیگر قرائت میشود و رای قطعی می گیریم.

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - رای می گیریم باین پیشهاد

شو شمری - تجزیه شود

رئیس - تجزیه شود؟

شو شمری - تا در صورتی که تجزیه می شود از اول تا ابتدای جمله در صورتی که آقایانی که این قسمت اول را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اكثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رای می گیریم به قسمت دوم از ابتدای در صورتی که تا آخر ماده آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رای می گیریم به مجموع دو قسمت آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اكثر آقایان قیام نمودند)

مغیر - تبصره باقی ماند

رئیس - این ماده پیشهادی در عرض ماده دوم پیشهادی که کمیسیون کرده است تکلیف آن تبصره باید معین شود (اینطور خوانده شد)

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و شلتوک است

رئیس - پیشهادی از طرف آقای قشقائی رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشهاد میکنم که در تبصره ماده دوم بعد از شلتوک خرما هم اضافه شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - عده دیگر از آقایان هم پیش نهاد کرده اند چون در همین زمینه است قرائت میشود.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشهاد میشود که تبصره ماده ۲ بترتیب زیر اصلاح شود:

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک خرما است

رئیس - در واقع مقصود همان اضافه شدن کلمه خرما است آقای مغیر

رئیس - قبول نمی کنم

رئیس - آقای قشقائی توضیح دارید بفرمایند

اسمه خان قشقائی - آقای مغیر معترض کمیسیون فواین مالیه بالاینکه اهل یزدند خودشان از بسکه شربین هستند منکر خرما هستند.

بنده يك نشانی میدهم که خودشان تصدیق فرمایند. آقا جناب و بیابانک که بهلوی خودشان است غیر از خرما چه منافاتی ندارد قبول میکنم.

فرمایند اینکه آقای مدرس می فرمودند تماماً از روی فلسفه بود صحیح فرمودند برای اینکه فرمودند که اشجار را بیرون می آورند و جایش چیز دیگری کارند ولی خرما را که باید مثل طفل ۲۰ ساله بدهد چگونه می تواند بیرون بیاورند و گندم و جو و شلتوک بکارند؟

زمین های شور و بی آب دیمی قیر از درخت خرما خیلی باقی نالایق چیز دیگری عمل نمی آورد.

زمین های شور زار زمین زراعت نیست چیزی که در آنجا بدست می آید منحصراً بخرما است مقصود از این لایحه این است که برای رعیت فرجه باشد.

اگر قشایر بیاید و القمه فرار میکنند می روند در بنادر مشغول نمکی می شوند در محلهای مازراعت نمی شود جنس ندارند آنجا در درخت خرما است همه از بین می رود.

برای رفاه مردم فکر فرمایند برای شخص بنده هیچ اهمیت ندارد زیرا منتهی سی تومان یا ۵۰ تومان یا صد تومان فوج گذشت و تا اینجا اینک نظر آقا در همین ماده تأمین شده چون بودی مالیات حق داد. شده که جنس مالیاتی را تا ۳ خروار تصعیر کند.

در کوهپایه ها مالکی که تا ۲ خروار مالیات بیشتر بدهد گمان نمی کنم وجود داشته باشد.

را مالیات جنس حساب کنند مالیات نقدی می پرداختند امروز ما آنجا هستیم که جنس است میل داریم نقدی باشد چه طور ممکن است آنجا هستیم که نقدی است بیاییم جنسی کنیم.

رئیس - برای می گیریم اضافه کلمه خرما نیاید پیشهاد آقای قشقائی و آقایان دیگر آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشهاد ازرانج می شود بکمیسیون. اگر آقایان موافقت می فرمایند چند دقیقه تفصیل شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تفصیل و تعطیل و پس از ۲۰ دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشهاد آقای قشقائی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود:

تبصره - مالیات قراء کوهپایه که بیش از مسافت ازران آن محل محصول نخواهد داشت و محتاج به تهیه و تأمین ازران از خارج خواهد بود مالیات جنسی آنها همه ماهه بترتیب متوسطه آن بلوک در شهریور ماه تصعیر خواهد شد.

نظامی - این مسئله لازم توضیح نیست اغلب آقایان می دانند که قراء کوهپایه با اندازه ازران محل فروش جنس نخواهد داشت و این مسئله باعث زحمت و خسارتی برای رعیت و مالکین خواهد شد.

مثلاً شمیران را تصور فرمایید مودی مالیاتی شمیران ناچار است که برود از برای خودش جنس از ورامین بخرد و کرایه بدهد بیاورد.

دولت هم بطور از دامغان و سمنان جنس مالیاتی خودش را با زحمت و خسارت عمل کند بیاورد در شمیران مصرف ازران عمومی برساند.

يك خسارت و زحمتی مالک کشیده و يك خسارت و زحمتی دولت.

این است که برای رعیت فرجه باشد.

اگر آقای مغیر کمیسیون قبول فرمایند گمان میکنم ضرری نداشته باشد و اگر هم قبول نکنند ناچارم برای اینکه قانون میزبان معطل نشود پیشهاد خود را پس بگیرم.

رئیس - آقای مغیر

مغیر - این پیشهاد را که ایشان کردند باید پس بگیرند زیرا اولاً ماده گذشت و تا اینجا اینک نظر آقا در همین ماده تأمین شده چون بودی مالیات حق داد. شده که جنس مالیاتی را تا ۳ خروار تصعیر کند.

در کوهپایه ها مالکی که تا ۲ خروار مالیات بیشتر بدهد گمان نمی کنم وجود داشته باشد.

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند.

رئیس - پیشهاد آقای عدل و قش گذشته است ماده سوم قرائت می شود (اینطور خوانده شد)

ماده ۳ - در املاک اربابی مودیان مکلفند مالیات جنس خود را بانبار مجلی و یا نقاط دیگر که معین میشود در صورتیکه مسافت آن از ۵ فرسخ تجاوز نماید حمل نمایند کرایه حمل و نقل ۲ فرسخ اول به عهده مودیان مالیاتی ۳ فرسخ باقی به عهده دولت است هر گاه مسافت از ۵ فرسخ تجاوز نماید مودیان مالیاتی مختارند که غله مالیاتی را در قسمت اضافی با کرایه حمل یا امتناع ورزند در صورتیکه وسایل حمل در ۲ فرسخ اول هم برای مودیان فراهم نشود می توانند بترتیب عادلانه کرایه ۲ فرسخ را پرداخته دولت خود وسایل حمل جنس مالیاتی را فراهم نمایند.

رئیس - بدو عرض کنم کمیسیون مالیه جدید در ضمن راپرت خودش همین ماده که در سابق راپرت داده شده بود تصویب کرده باین جهت آن ماده قرائت شد. بعضی از آقایان که تشریف بردانند رای بدهند تا کمیسیونها پیش از این دوچار تعویق نشود. آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای میرزا محمد خان وکیل.

آقا محمد خان وکیل - در این قانون میزبان بیکه قال و ماقال شده راستی بنده متفلمم که مذاکره زیاد شود. این ماده در اینجا می نویسد حمل جنس تا ۵ فرسخ به عهده مودی مالیات است و از این فرسخ کرایه ۳ فرسخ آن را دولت باید بدهد دو فرسخ را هم مودی مالیات بدهد.

مالیات بدهم مکلف است که مالیات خودش را با جنس یا نقد بدهد جنس را هم حمل کند بنده تصور میکنم کمیسیون قوانین مالیه راضی شود که این ترتیب را فراهم کند.

یعنی جنس را بدهد پول هم بدهد حمل هم بکند.

بنده در اینجا متقدمم که اگر این ماده را می گذاشتند دو باره تجدید نظر درش میشد با موافقت دولت شاید بیک ترتیبی بشود که هم قبول کنند دیگر هم پیش از این عرض نخواهم کرد.

مغیر - اگر امروز ابتکاراً میل داشتیم يك مالیاتی وضع کنیم حق با بنده محترم بود که باید خیلی ملاحظه عدالت و انصاف را بکنیم.

ولی ما تا ماده ۲ مالیات وضع کنیم يك مالیاتی در این مملکت بوده است ما آمده ایم تعدیلی در آن بکنیم و اجافاتی

که بوده نقدی تخفیف بدهیم حقیقتاً يك مالیات جدید و قانون جدیدی نیست.

میرزا یوسف خان عدل - جدید است.

مغیر - سابقاً معلوم بوده که دولت جنس را در یک جا انبار میکرد و نقاطی که اهالیش مالیات بدهستند فرستاد آنرا بایجان از بلوک ۳۰ فرسخی مکلف بودند جنس خودشان را بیاورند بترتیب تعویق بدهند.

عدل - این طور نیست

مغیر - بدین معنی است يك تفاوت قیمتی بین جنس معلوم جنس که باید در ترنر تعویق داده شود است. این معامله بود. تفاوت از ۵ فرسخ داشته اند تا ۱۵ فرسخ و ۲۰ فرسخ فاصله که رعایای بدبخت را مجبور میکردند برای حمل جنس.

من شنیده ام در حدود سیستان از راه های دور ۴۰ فرسخ جنس را حمل میکنند بانبار دولت.

آن نقاطی که مالیات جنسی بوده این معایب بوده اگر خواسته باشیم دولت را مکلف کنیم که خودش سرخرمن ها برود سهم مالیاتش را بگیرد باید تصدیق کرد که با وضیعت فعلی مملکت ماعملی نیست.

در يك بلوک که دارای ۵۰ آبادی است هر آبادی دارای بیست سی نقطه است که در آنجا گندم خرمن شده برای خرمن يك مأمور مالیه معین کنند که در موقع برداشتن محصول آنجا نظارت بکند و مالیاتش را تعویق بکند.

این حقیقتاً عملی نیست. پس باید برای هر بلوک يك مرکز برای انبار دولت در نظر بگیریم.

خواستند آن تعدیاتی که پیش آمدند و تخفیف دهند حومه شهر را قرار دادند که جنس را بهمان شکل که می آورد میدان می فروشند بیاورد بانبار دولت تعویق بدهد.

این را تجدید کردند و فرسخ و قرار شد که اگر از ۲ فرسخ زیاد تر شد دولت کرایه بدهد و آنها جنس را حمل کنند بیاورند. این نظری بود که کمیسیون بادولت توافق نظر پیدا کرده است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشهاد آقای نظامی (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشهاد میکنم ماده ۳ حذف شود.

فغان - رای ندهند پیشهاد دیگر را حذف چه معنی دارد.

نظامی - عرض میکنم باید در قانون رعایت کرد که همه روزها اسباب زحمت برای مردم بدبخت فراهم نشود.

این قانون میزبان يك از کمیسیون بزرگی است که ما به دست خودمان کلوی

مملکت را نشانم دهیم ما باید يك کاری کنیم که مملکت در واقع در پیشرفت برود و روضه

همین مسئله در ماده ۳ ذکر شده است و رعایا خواهد شد.

فردا مأمورین مالیه میگویند از فلان جا تا فلانجا دو فرسخ است ۳ فرسخ هست یا دو فرسخ و نیم است و فلاقت نیست و همروزه اشکالاتی فراهم میآورند.

تصدیق فرمایند مالیات از عایدی املاک گرفته میشود دیگر کرایه گرفتن مال و پول کرایه به مالک ندادن من نسیانم چه صورتی دارد؟ کرایه حمل همیشه به عهده دولت بود.

بنده عقیده دارم که اگر مالیات صدی ۲ و نیم صدی ۴ یا صدی ۵ نیم هم بشود و کرایه پای دولت باشد بهتر است از اینکه این قید در قانون بشود.

زیرا این مسئله بکست آوری برای مأمورین دولت خواهد شد و چون مسافت بین قراقران معین نشده و مأخذی در دست نیست این ماده اسباب زحمت برای مالکین و زارعین فراهم میکند که خیر از این جا دو فرسخ نیست در صورتیکه ۳ فرسخ هم بیشتر است.

ار این جهت بنده از آقایان استدعا میکنم که این ماده را حذف کنند.

معاون وزارت مالیه - عرض کنم به عطف این ماده بنده اظهار موافقت نمیکنم که سهل است بر صلاح کار هم عقیده ندارم باشد.

زیرا يك مقدار از دلایلی که بر ضرورت این ماده یعنی قید آن میزان دو فرسخ لازم است آقای مغیر اظهار کردند.

ملاحظه فرمایند مطلب درباره مواد و قوانین آنطوری که باید در خاطر آقایان تشریح شود گمان میکنم نشده.

در اداره کار مانده عمل کار را در جلومیکنداریم و مواد را با هم تطبیق می کنیم که ببینیم نسبت با مری فلانطور میشود عمل بشود یا نه.

در باب حمل جنس از نقاط مختلفه بانبار دولت نامیزان ۲ فرسخ مسافت قدر مقتضی است که در عمل ما در نظر گرفته ایم.

بهین جهت است که مکرر در باب همین ماده سوم در مجلس مذاکره شد پیشهاد هائی هم شده ما هم فکر کردیم شاید واقعا بشود موافقت کرد با این مطلب در کمیسیونها مذاکرات زیاد کردیم. لیکن دیدیم غیر ممکن است که بشود موافقت کرد بالاخره توافق نظر در کمیسیون پیدا شد که این ماده ضرورت دارد زیرا در عمل ما غیر از این نمی توانیم بکنیم.

مملکت را نشانم دهیم ما باید يك کاری کنیم که مملکت در واقع در پیشرفت برود و روضه

همین مسئله در ماده ۳ ذکر شده است و رعایا خواهد شد.

فردا مأمورین مالیه میگویند از فلان جا تا فلانجا دو فرسخ است ۳ فرسخ هست یا دو فرسخ و نیم است و فلاقت نیست و همروزه اشکالاتی فراهم میآورند.

تصدیق فرمایند مالیات از عایدی املاک گرفته میشود دیگر کرایه گرفتن مال و پول کرایه به مالک ندادن من نسیانم چه صورتی دارد؟ کرایه حمل همیشه به عهده دولت بود.

بنده عقیده دارم که اگر مالیات صدی ۲ و نیم صدی ۴ یا صدی ۵ نیم هم بشود و کرایه پای دولت باشد بهتر است از اینکه این قید در قانون بشود.

زیرا این مسئله بکست آوری برای مأمورین دولت خواهد شد و چون مسافت بین قراقران معین نشده و مأخذی در دست نیست این ماده اسباب زحمت برای مالکین و زارعین فراهم میکند که خیر از این جا دو فرسخ نیست در صورتیکه ۳ فرسخ هم بیشتر است.

ار این جهت بنده از آقایان استدعا میکنم که این ماده را حذف کنند.

معاون وزارت مالیه - عرض کنم به عطف این ماده بنده اظهار موافقت نمیکنم که سهل است بر صلاح کار هم عقیده ندارم باشد.

زیرا يك مقدار از دلایلی که بر ضرورت این ماده یعنی قید آن میزان دو فرسخ لازم است آقای مغیر اظهار کردند.

ملاحظه فرمایند مطلب درباره مواد و قوانین آنطوری که باید در خاطر آقایان تشریح شود گمان میکنم نشده.

در اداره کار مانده عمل کار را در جلومیکنداریم و مواد را با هم تطبیق می کنیم که ببینیم نسبت با مری فلانطور میشود عمل بشود یا نه.

در باب حمل جنس از نقاط مختلفه بانبار دولت نامیزان ۲ فرسخ مسافت قدر مقتضی است که در عمل ما در نظر گرفته ایم.

بهین جهت است که مکرر در باب همین ماده سوم در مجلس مذاکره شد پیشهاد هائی هم شده ما هم فکر کردیم شاید واقعا بشود موافقت کرد با این مطلب در کمیسیونها مذاکرات زیاد کردیم. لیکن دیدیم غیر ممکن است که بشود موافقت کرد بالاخره توافق نظر در کمیسیون پیدا شد که این ماده ضرورت دارد زیرا در عمل ما غیر از این نمی توانیم بکنیم.

